

گام هایی که به جلو برداشته می شوند!

حکومت اسلامی هنوز از تکانه شکست بزرگ مضحکه انتخابات بیرون نیامده بود که با موج عظیمی از اعتصابات کارگری و به دنبال آن اعتراضات مردم خوزستان علیه بی آبی و اعلام حمایت از این مردم در بسیاری از شهرها، روبرو شد. اکنون تمام داده ها، تمام اعتصابات، اعتراضات و شورشها این را نشان میدهند که جامعه با گام های بلند به سوی شرایط انقلابی در حرکت است. اکنون در بسیاری از شهرها شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای به گوش میرسد. اگر جنبش اعتراضی در بیش از یکصد شهر در دیماه نود و شش و آبان نود و هشت پایان سلطه گفتمان اصلاح طلبی و پایان دو قطبی مسلط بر جامعه یعنی اصلاح طلب اصولگرا را اعلام کردند، اکنون گام های مهمتری برای آغاز دور جدیدی از شورشها و کشمکش های طبقاتی را برداشته اند. زمانی که در شهرهای خوزستان مردم همان شعاری را تکرار میکنند که ده سال پیش در جریان خیزشها در شمال آفریقا به گوش میرسید، آیا جز این است که خاطره سقوط دیکتاتورها در مصر، لیبی، تونس و تنگتر شدن عرصه بر سایر دیکتاتورهای منطقه را به یاد میآورد. این مردم اما به تجربه دریافته اند که تنها شعار "مردم سقوط حکومت را میخواهند" کافی نیست و در ست از همین زاویه است که در خوزستان شعار بدیل هم فریاد زده میشود: "الشعب يريد اسقاط النظام، الشعب يريد الحرية والمساوات"، "مردم سقوط حکومت را میخواهند، مردم خواهان آزادی و برابری هستند"

پیمانکاران و رژیمشان برای به شکست کشاندن اعتصاب نفتگران با حربه فریب، وعده و وعید و تفرقه اندازی بین کارگران اعتصابی به میدان آمده و تمام نیروی خود را برای به شکست کشاندن این اعتصابات به کار انداخته اند و دیدیم که تا کنون بسیاری از این حربه ها به



بیانیه های
شورای سازماندهی
کارگران پیمانی نفت
در رابطه با
اعتصاب سراسری کارگران

کارگران اعتصابی
صدای اعتراض
اکثریت مردم ایران!

ضرورت پیوند
خیابان و کارخانه

از زاگرس تا کارون
جلگه، کویر می شود
و خوز، خوزستان
خوناب

مروری بر مبارزات
طبقاتی در خشان
جنبش کارگری در
هفت تپه

دمکراسی پارلمانی
بعنوان یکی از اشکال
دولت بورژوائی

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.

* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴۱ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلاتی دلائل کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۹۶۴۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳

۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷

۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸

۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تماس با کمیته تشکیلاتی
دلائل گروه (تکشی)

takesh.komalah@gmail.com

وجود اینکه بر مبنای اخبار منتشر شده تا کنون ده ها نفر کشته و زخمی شده و صدها نفر دستگیر شده اند ولی همه این سرکوبگرها نه تنها نتوانسته اند شورش مردم خوزستان را به عقب برانند، بلکه اکنون در بسیاری از شهرها راه پیمائیا و تظاهرات در همبستگی و پشتیبانی از مردم خوزستان شکل گرفته است. کافی است به اطلاعیه های منتشر شده از جانب تشکلهای مستقل کارگری، زندانیان سیاسی، نویسندگان و هنرمندان و صدها وکیل نگاه کنیم تا روشن شود که جنبش اعتراضی علیه این رژیم از چه پتانسیل بالائی برخوردار است. در همه این اطلاعیه ها نظم غارتگرانه و ستمگرانه حاکم به چالش کشیده شده است. با این وجود نباید فراموش کرد که در شرایطی که جامعه آستان تحولات است همه نیروهای سیاسی متعلق به طبقات گوناگون به وسط میدان آمده و هرکدام راه حل خود را از منظر منافع طبقاتی خود رو به جامعه طرح میکنند. نباید گذاشت که بیراهه ها ما را از حرکت در مسیر اصلی منحرف کند. بیراهه هائی که در خدمت باز سازی نظم طبقاتی سرمایه دارانه موجود هستند.

اما آن مردمی که نیروی کارشان و آخرین رمقشان در کارخانه و کارگاهها به غارت می‌رود، آن مردمی که نمیدانند چگونه باید شکم خود و خانواده شان را سیر کنند، آن مردمی که در مقیاس میلیونی به حاشیه شهرها رانده شده اند، آنانی که کارتن خوابند، آنانی که در بخشهای غیر رسمی برای کسب لقمه نانی باید بجنگند، آن زنانی که به مثابه کالا در میدان تجارت نظم سرمایه دارانه و اسلامی خرید و فروش میشوند، هیچ منافعی در بازسازی نظم موجود ندارند و هیچ دلیلی وجود ندارد که به آن تن دهند.

واقعیت این است که بیش از صد هزار نفتگر اکنون تعرض خود را به یکی از ستونهای نظم اقتصادی حاکم اعلام کرده اند. همزمانی این اعتصابات با اعتراضات در شهرهای مختلف خوزستان رژیم را به جدیتترین چالش در چهار دهه گذشته روبرو کرده است. رژیم برای مقابله با این شرایط چاره ای ندارد که نام ماشین سرکوب خود را به خدمت بگیرد. برای مقابله با این سیاست، مهمترین وظیفه گسترش اعتصابات در کارخانه ها و کارگاهها و به میدان آمدن جنبش اعتراضی در شهرهای مختلف است. این آن حربه ای است که در لحظه کنونی تمرکز رژیم برای سرکوب را خنثی ساخته و نیروهای سرکوب آنرا پراکنده و زمینگیر خواهد ساخت.

یمن هوشیاری سازماندهندگان اعتصاب با شکست روبرو شده است. این در جه از هوشیاری بدون شک هم نشانه آگاهی ورشد یافتگی فعالین ورهبران این اعتصاب وهم نشانه تجاربی است که بخشهای مختلف جنبش کارگری ایران از مبارزات، مقاومتها و تجارب دو سه ساله اخیر مبارزات کارگری و بویژه تجارب گرانهای مبارزات کارگران هفت تپه گرفته اند.

رژیم اما در مقابله با اعتراضات مردم خوزستان برای حیاتیترین خواست یک زندگی یعنی داشتن آب، ماشین سرکوبش را به حرکت درآورده است. ما در توضیح نمایش انتخابات رژیم و برگماردن یک جلاد در رأس قوه مجریه گفته بودیم که این برگماری بیان یک دوره جدید از سازمان دادن قدرت حکومتی برای مقابله با اعتصابات، اعتراضات و شورشهاست. در این آرایش جدید مسئله سرکوب به یک عنصر مرکزی سیاست این دوره رژیم تبدیل شده است. و دیدیم که اطاق فکر سپاه و باند خامنه ای جهت جا انداختن این عنصر آماده بودند که بر تن نحیف رژیم تیغ جراحی بگذارند. اگر اصلاح طلبان را پیشترها بی وظیفه کرده بودند، اگر اعتدالیونی نظیر لاریجانی و روحانی را تهدید به محاکمه نموده بودند، در دور جدید حتی رئیس جمهور ولائی اشان را هم قربانی نمودند. این تغییر اگر آرایش جدیدی بود که در بیست و هشتم خرداد توسط جناح غالب پرده برداری شد، در مقابل در جامعه نیزهنوز دو روز از این آرایش رژیم نگذشته بود که کارگران پروژه ای و پیمانی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی با قدرت بینظیری به میدان آمدند. این به میدان آمدن در شرایطی بود که در تمام چهار دهه گذشته رژیم با توجه به خطر بالقوه کارگران صنعت نفت و نقش مهمی که آنان در سرنگونی رژیم ستم شاهی داشتند، محیط های کار را امنیتی نموده بود. نه تنها نیروهای سرکوب تحت عنوان حراست همه جا حضور یافته بودند بلکه با شکل دادن به شوراهای اسلامی یعنی بازوان امنیتی خود بر این تصور بود که هر تحرک کارگران را در نطفه خفه خواهد نمود. اکنون معلوم شد که رهبران و فعالین کارگری با یک تدارک همه جانبه و با استفاده از شبکه های اجتماعی، اعتصابی را سازمان دادند که بیش صد هزار نفر در آن شرکت دارند. همین نوع سازماندهی سبب گردید که موج عظیمی در پشتیبانی از کارگران اعتصابی در میان معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و نویسندگان بوجود آمد. اینکه همزمان با این اعتصاب کارگران هفت تپه نیز دور جدیدی از اعتصابات و اعتراضات را آغاز کردند. در چنین شرایطی مردم رنج دیده خوزستان در اعتراض به بی آبی، یک خیزش توده ای را برپا کردند. با



بیانیه‌های

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

در رابطه با اعتصاب سراسری کارگران

بیانیه شماره ۶: چند نکته مهم

- با توجه به گستردگی و فراگیر شدن اعتصاب، پیوستن اکثر مراکز کارگری به این اعتصاب و حمایت‌هایی که تا به حال از آن صورت گرفته، ما امروز در موقعیت بسیار خوبی برای رسیدن به بخش‌های مهمی از خواسته‌های خود قرار داریم. با اعتصابات گسترده ما تا همین جا فشار سنگینی بر روی پیمانکاران چپاولگر وارد شده است و کار به جایی رسیده است که منافع همه شان ایجاب میکند که زودتر اعتصاب تمام شود.

- روشن است که باید در مورد نتیجه اعتصاب و رسیدن به خواسته‌هایمان و اینکه در چه شرایطی پای مذاکره می‌رویم چاره‌جویی کنیم. ولی باید از هر اقدام عجولانه و پا پیش گذاری زود هنگام برای مذاکره، خود داری کرد.

- خطر اصلی‌ای که اعتصاب سراسری ما را تهدید می‌کند ایجاد تفرقه و چند دستگی در میان کارگران و ناروشنی در نقشه کار مان است. کارفرمایان و مسئولین به انواع مختلف تلاش می‌کنند و یا خواهند کرد که در میان کارگران دو دستگی و یا چند دستگی به وجود بیاورند و سپس با دادن حداقل امتیاز به بخشی از کارگران و ترغیب آنان به بازگشت به سر کار، بخش بزرگی از ما را وادار به بازگشت به کار کنند. باید در مقابل آن هوشیار باشیم.

- برخورد جمع‌ها و کسانی مانند اداره کنندگان گروه تلگرامی "کاریابی پایپینگ" و کانال مطالبه‌گری ارکان ثالث با ماکارگران مثل مثل برخورد فرمانده به سربازان است و به ما امر و نهی میکنند و به سهولت حاضرند که زمینه‌های پایان اعتصاب را با کمترین امتیاز گیری اعلام کنند. برای همین کمپین شان کمپین تخلیه سراسری محیط‌های کار بود. می‌گویند با خانواده خوش بگذرانید و ما هستیم و به ما توکل کنید. هر جا هم بحثی از تجمع و اعتراض میشود مقابله می‌ایستند و خود فضا را امنیتی میکنند. ما باید بدانیم که دیگر توکل کردن بس است. باید خودمان تصمیم بگیریم. چنین جماعتی میخواهند همه چیز را توی مشت داشته باشند و هر کس حرف دیگری زد و نظری داد اسمش را می‌گذارند تفرقه و بدتر از آن اغتشاش. باید صراحتاً بگوئیم ما نماینده خود گمارده نداریم. نمایندگان هر بخش از ما توسط خود ما باید انتخاب شوند و در تصمیم‌گیری‌ها دخیل باشیم.

- با توجه به اینکه کارگران اعتصابی در عسلویه و کنگان، کمپ‌ها را ترک کرده‌اند، انتخاب نماینده و یا مجمع نمایندگان از سوی کارگران برای مذاکره با کارفرمایان در محل ممکن نیست. فوراً در این مناطق گروه‌های تلگرامی خود را درست کنیم و کاندید بدھیم و هر کس خودش کاندید شود و نمایندگان خود را انتخاب کنیم. این حق ماست. جمع شدن در یک گروه و صحبت کردن بر سر خواسته‌هایمان و انتخاب نمایندگان واقعی خود کار خلافی نیست و این حق ماست و باید دست به کار آن بشویم تا بتوانیم خواسته‌هایمان را پیگیری کنیم.

- یک راه حل برای حفظ اتحاد تعیین خواسته‌های واحد است که

هر جا مذاکره‌ای شد به کمتر از آن رضایت ندهیم و الگویی ←

● در شماره قبلی جهان امروز بیانیه‌ی ۱ تا ۴ این شورا را درج کردیم و در این شماره بیانیه ۵ تا ۱۱ را ملاحظه می‌کنید. هر یک از بیانیه‌ها پاسخ و راهکار این شورا به مسائل و مواردی است که نفتگران در اعتصاب تاریخی و بیش از یک ماه با آن روبرو بوده‌اند.

بیانیه شماره ۵

پیشنهاد باید کتبی باشد، رسمی باشد، علنی باشد!

اعتصاب ادامه دارد

در حالیکه اعتصاب دهها هزار نفر از همکاران پروژه‌ای پیمانی ما در پتروشیمی‌های، پالایشگاه‌ها و مراکز مختلف نفتی ادامه دارد، پیمانکاران در اینجا و آنجا با پیشنهادهای جلو آمده‌اند تا به اعتصاب کارگران خاتمه دهند. ما بخش‌هایی از کارگران پروژه‌ای طی نشست‌هایی بر سر این موضوع به بحث نشستیم و شرایط ما برای بررسی و یا قبول هر گونه پیشنهادی اینست که رسمی و کتبی باشد و علنی اعلام گردد. ضمن اینکه باید قید شود که دستمزد کارگران هرماه بموقع و در سر موعد پرداخت شود. به این ترتیب این معیاری است در سطح سراسری که همه همکاران اعتصابی یکدست برخورد کنند. همکاران محترم! اعتصاب ما سراسری است و نباید اجازه دهیم که با پیشنهادهای پراکنده در اینجا و آنجا خدشه‌ای به اعتصاب وارد شود. بعلاوه همراه با روشن شدن سطح دستمزدها و میزان افزایش آن و بیست روز کار و ده روز مرخصی که دو محور اصلی مطالبات ماست، باید تکلیف خواسته‌های دیگر ما و نحوه پاسخگویی به آنها نیز شفاف گردد. از جمله ما خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی و توقف اخراج‌ها هستیم. همچنین حق همه کارگران در نفت است که از امکانات درمان رایگان در این صنعت برخوردار باشند و کیفیت آن قابل قبول و مطابق استانداردهای لازم باشد. خصوصاً در این ایام اپیدمی کرونا این امر حیاتی است. از سوی دیگر کارگران بخش صنعتی نفت از جمله جوشکاران و رنگ‌کاران شدیداً در معرض آسیب‌های جسمی و جانی و بیماری‌هایی چون سرطان قرار دارند. باید استانداردهای ایمنی محیط‌های کار فوراً بالا رود و از جمله به تهویه‌های استاندارد هوا مجهز گردد. باید خوابگاه‌ها و کمپ‌های زیستی ما کارگران در حد قابل قبول بهبود یابند. از نظر ما کارگران دولت در قبال وضعیت زندگی و کار کارگران مسئول است. وظیفه دولت است که اجازه ندهد پیمانکار چنین بساطی از چپاول و ظم و ستم را بر کرده کارگران تحمیل کند. باید بساط این ستمگران جمع شود. و قوانین ظالمانه مناطق ویژه اقتصادی برچیده گردد.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۱۳ تیر ۱۴۰۰

بیانیه شماره ۷ چهار مطالبه فوری پاسخ ما به پیمانکاران

اعتصاب ادامه دارد

دوستان! همه میدانیم که مراکز نفتی گسترده و پراکنده است. هر کدام از این مراکز در دست پیمانکاران متعددی است. و بدلیل محرومیت از یک تشکل سراسری تعیین نمایندگان سراسری و قراردادهای سراسری در حال حاضر امری مشکل است. باید پله پله زمینه های آنرا بسازیم. در این وسط پیمانکاران سعی میکنند از پراکنده بودن ما استفاده کنند و بخشی را با پیشنهادات بهینه به کار بگیرند و بعد ذره ذره باقی ما را با همان وضعیت قبلی وادار به کار کنند. ما هم باید با هوشیاری اعلام کنیم که درست است که شرکت های ما پراکنده است. اما خواستهای ما مشترک است. همانطور که توانسته ایم متحدانه دهها هزار نفره اعتصاب کنیم میتوانیم خواستهایمان را بگیریم. ما دست شما را خوانده ایم همین دستمزد های دوبرابری که پیشنهاد داده اید، را دستاورد اعتصاب خود دانسته و آنرا مینا قرار میدهیم و به کمتر از آنها رضایت نخواهیم داد.

در برخی شرکتها پیمانکاران برای اینکه کار پروژه های ناتمام خود را به جایی برسانند و جلوی وارد شدن خسارت بیشتر به شرکتهایشان را بگیرند، ناگزیر از پیشنهاد دستمزدهای دو برابری و قبول خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی شده اند. برخی از کارگران با این توافقات و با تحمیل کتبی و رسمی کردن آن به پیمانکاران حاضر شده اند که به سر کار بازگردند. از نظر شورای سازماندهی همانطور که قبلا اعلام کرده است این درجه از عقب نشینی پیمانکاران نتیجه اعتصاب قدرتمند کارگران اعتصابی نفت است و ما اعلام میکنیم که همین توافقات حداقلی باید مبنایی باشد برای همه کارگران اعتصابی در سطح سراسری نفت و در هیچ کجا به کمتر از این توافقات نباید رضایت داد. بویژه بنا بر خبرهایی که بدستمان میرسد تماس با دیگر همکاران اعتصابی نیز از سوی پیمانکاران بیشتر شده است. اولین نکته اینست که نباید بگذاریم که بصورت پراکنده و بدون برنامه این توافقات صورت گیرد. از همین رو ما لیست ۴ خواست فوری که در صورت تحمیل آن به پیمانکاران اولین گام موفقیت در اعتصاب ما خواهد بود و از نظر ما رسمیت خواهد داشت را به ترتیب زیر اعلام میکنیم:

۱ - افزایش دو برابری دستمزدها در همه سطوح مزدی به گونه ای که حداقل دستمزد هیچ کارگری کمتر از ۱۲ میلیون تومان نباشد. بنابراین همانطور که برخی از همکاران ما با پیشنهاد افزایش دو برابری دستمزدهای خود به کار بازگشتند، باید همه کارگران اعتصابی دستمزد دوبرابری را مطالبه کنند. بعلاوه در خیلی جاها همکاران ما بخشی از مزد ماههای قبل خود را طلب دارند و باید دستمزدهای معوقه آنان نیز فوراً پرداخت شود.

۲ - باید خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی از همان روز اول اجرایی شود.

۳ - باید وضع کمپ ها بهبود جدی یابد، غذاخوری های مناسب و در شان کارگران ایجاد شود و محیط های کار ایمن شوند. از همین رو پیمانکاران باید بطور مشخص اعلام کنند که چه اقداماتی در این رابطه انجام میدهند

۴ - باید توافقات بصورت کتبی و رسمی صورت گیرد. و دولت موظف به پیگیری اجرای آن توسط پیمانکاران گردد.

بر اساس این چهار بند میشود در هر کجا که امکان دارد مثل مجمعی که کارگران در هفشجان بر پا کردند، تشکیل داد و با تصمیم جمعی آنها را به عنوان پیش شرطهای بازگشت به کار اعلام کرد و اگر پیمانکاران خواستار مذاکره شدند در جمع خود نمایندگانی تعیین کرد و

سراسری برای همه بخشها باشد. ضمن اینکه همین الان در گام نخست می توان کارفرمایان را زیر فشار قرار داد که موضع خود را نسبت به خواستهای کارگران با شفافیت و بطور کتبی و علنی اعلام کنند (همانطور که در بیانیه ۵ شورای سازماندهی گفته شده). بر اساس آن ما هم تصمیم متحد خودمان را اعلام خواهیم کرد.

- ما مذاکرات پشت پرده و از بالای سر کارگران را قبول نمیکنیم و به رسمیت نمی شناسیم. تصمیمات گرفته شده بین مذاکره کنندگان و کارفرمایان و پیمانکاران در صورتی رسمیت پیدا میکند که به اطلاع کارگران رسانده شود و مورد تایید آنها قرار گیرد.

- اولین مذاکرات و یا توافق و یا تصمیم گیری احتمالی بین کارگران و کارفرمایان در چند شرکت پیمانکاری مهم هستند و میتواند مبنایی برای مذاکرات در شرکت های دیگر نیز باشد. بنابراین در این مورد باید دقت کرد. چون با اعلام اولین توافقات بصورت علنی و احتمالاً بازگشت به کار کارگران در این شرکت ها، عملاً مسیر و سر نوشت اعتصاب تعیین میشود و این توافقات برای باقی شرکت ها الگو خواهد بود. بسیار مهم است که در این مورد ابتکار عمل را به دست بگیریم و سعی کنیم خواست های اولیه و فوری خود را به روشنی و بطور شفاف اعلام و مبنای مذاکره با پیمانکاران قرار دهیم.

- - افزایش دستمزدها بر اساس ارقام پیشنهادی ما برای رده های مختلف تخصصی و اینکه هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون مزد بگیرد، دائمی شدن قراردادهای کاری و داشتن امنیت شغلی، پرداخت بموقع دستمزدها در هر ماه، بیست روز کار و ده روز مرخصی، ایمن شدن محیط های کار و تجهیز مراکز کاری و کمپ ها به دستگاههای تهویه هوا، بهبود اساسی وضعیت کمپها و اماکن عمومی دیگر همچون دستشویی ها و حمام ها و اختصاص غذا خوردی مناسب برای کارگران در تمام کمپ ها، ایجاد امکانات درمانی در محیط های کار و برخورداری کارگران از بیمه درمان رایگان، خطوط پایه ای توافقات سراسری ما کارگران در مذاکراتمان خواهد بود. خواست اساسی ما برچیده شدن بساط پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی است و تحمیل این مطالبات به معنای زیر فشار قرار دادن پیمانکاران و ایجاد زمینه برای برچیده شدن بساط آنهاست. ما با پافشاری بر خواستهایمان میتوانیم عرصه را بر پیمانکاران تنگ کنیم و اعلام میکنیم که همین امروز دولت باید ناظر اجرای همه توافقاتی باشد که در مذاکرات با کارفرمایان صورت میگیرد.

- ما اعلام میکنیم که همین امروز دولت باید ناظر و تضمین کننده اجرای همه توافقاتی باشد که در مذاکرات با کارفرمایان صورت میگیرد.

- کانال شورای سازماندهی اعتراضات محلی برای بحث و گفتگو در مورد چگونگی مذاکره و چگونگی انتخاب نمایندگان برای وارد شدن به مذاکره میتواند باشد. هر نظری دارید برای این کانال بفرستید. این کانال را به دوستان خود معرفی کنید و عضو آن شوید. در عین حال در همه جا شبکه های خود را ایجاد کنید تا در این شبکه ها بطور مرتب در مورد چگونگی پیگیری اعتراضاتمان همفکری و بحث کنیم.

در پایان از همه کارگران و تشکلهای و همه مردمی که از اعتراضات و خواستهای بحق ما پشتیبانی کردند سپاسگزار می کنیم. یک وظیفه فوری ما همکاری گام به گام با هر تشکل و نهادی است که در راستای منافع کارگران اعتصابی و سراسری کردن این اعتصاب هستند. تاکید ما بر اتحاد و همبستگی کارگری است. به امید پیروزی

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۱۷ تیر ۱۴۰۰

وارد مذاکره شد. همچنین در هر کجای دیگر نیز که پیمانکاران تماس میگیرند و فشار می آورند که کارگران سر کار بازگردند باید این خواستها را به عنوان شرط بازگشت به کار مقابلشان قرار داد.

ادامه اعتصاب ابزار قدرت ماست که هر جا که برای بازگشت به کار فشار می آورند از موضع قدرت این مطالبات را در مقابلشان قرار دهیم. بعلاوه در طول اعتصابی که داشته ایم شماری از همکاران ما لغو قرار داد و اخراج شده اند. باید در هر کجا که این اخراج ها صورت گرفته است همچون همکارانمان در پتروشیمی آبادان علیه اخراجها تجمع کرد و پیمانکاران را وادار به بازگرداندن همکاران اخراجی به کار نمود. بازگشت به کار همکاران اخراجی باید مورد تاکید همه بخشها باشد.

همینطور در جاهایی ما کارگران دستمزد معوقه داریم. در جاهایی کارفرمایان دستمزد پرداخت نشده ما را به گرو گرفته اند تا اعتصاب ما را ضعیف کنند و ما را به بهانه تسویه حساب وادار به بازگشت به کار کنند، در آنجاها نیز باید تجمع کرد و خواهان دستمزدهای پرداخت نشده گردید. همانطور که در جاهایی همکاران ما این کار را دارند انجام میدهند.

درخواست شورای سازماندهی از همکاران اینست که هر کجا که توافقاتی با پیمانکاران صورت گرفت کپی آنرا برای ما بفرستید که بتوانیم در جریان اتفاقات و عقب نشینی های پیمانکاران در سطح سراسری باشیم. روشن است که کپی قراردادهای شما جهت انتشار نیست و نزد ما محفوظ خواهد بود.

بنابراین اعلام میکنیم، ما کارگران نفت امروز متشکل و متحد هستیم و حلقه اتحاد ما خواستهای سراسری ماست. همانطور که اعلام کرده ایم ما خواستار برچیده شدن پیمانکاران هستیم و تحقق همین خواستهای اولیه خود را یک قدم مهم در تضعیف پیمانکاران و برچیده شدن آنها میدانیم. ما با هرگونه امنیتی کردن مراکز نفتی مقابله خواهیم کرد و از همین رو اجازه نمیدهیم که شوراهای اسلامی در مراکز نفتی سر بلند کنند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران همه همکاران پروژه ای پیمانی را فرا میخواند که فعالانه عضوی از این شورا باشند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۲۲ تیر ۱۴۰۰

بیانه شماره ۸

چرا طرح گروه پایپینگ با عنوان "پیگیری مطالبه گرایی در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران" را نمی پذیریم!

در حالیکه اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی نفت ادامه دارد و تجمعاتی از سوی همکاران ما در جاهای مختلف با تاکید بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به مطالبات خود برگزار میشود، مدیریت تلگرامی موسوم به "بزرگترین ابرگروه کاریابی و پایپینگ و اکیپ پروژه" طرحی تحت عنوان طرح پیگیری مطالبه گرایی در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران ارائه داده و گفته است با نوشتن نامه و طرح درخواست ها و مشکلات کارگران پارس جنوبی به وزارت نفت و وزارت کار میخواهد آنها را پیگیری کند. در این نامه با استناد به نامه سال گذشته آنها به مقامات حکومتی و ارسال آن توسط آنان به اداره کار بوشهر جهت حل مسائل کارگران، در هشت بند به مشکلات کارگران اشاره شده است و بعد برای پیگیری این موارد و مذاکره با مقامهای حکومتی از کارگران خواسته شده است که آقای مازیار گیلانی نژاد را به عنوان نماینده خود معرفی کنند. برای ارائه این نامه ۱۵۰۰۰ امضا نیاز دارند و از

کارگران خواسته شده است که با نوشتن اسم و فامیل و شماره ملی خود این نامه را امضا کنند.

اولین نکته در پاسخ به طرح مدیران گروه تلگرامی پایپینگ اینست که اتفاقا خلف وعده های داده شده باعث شده اکنون کارگران خشمگین دهها هزار نفره وارد اعتصاب شوند و در طول سال نیز هر جا که توانستند کارگران دست به اعتراض زدند و خواستهایشان را پیگیری کردند. باید به اعتصاب ادامه داد تا کارگران بتوانند از موضع قدرت و برای تامین همه خواستهایشان وارد مذاکره بشوند.

دوما حواله دادن ما به قانون کار یا قانون اساسی جواب ما کارگران نیست. این قوانین هستند و این وضع و بدبختی ما کارگران است. خود قوانین ویژه اقتصادی، قوانین مصوب هستند که از نظر ما قوانین رسمیت دادن به اسارت کارگر است و ما خواستار برچیده شده آنها هستیم. ما خواستهایمان را روشن و صریح اعلام کرده ایم و جواب میخواهیم.

سوما از نظر ما نفس جمع کردن ۵۰۰۰۰ امضا مجوزی برای نمایندگی شدن کارگران توسط کسی نمیتواند باشد. مهم اینست که باید در مذاکرات خواستهای واقعی و اصلی کارگران نمایندگی بشود و نمایندگان واقعی کسانی هستند که مطالبات ما را نمایندگی کنند. نه جریاناتی که خواستهای اصلی کارگران را زیر فرش میکنند. ما در اولین بیانیه خود که اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت را اعلام کردیم و بیانیه ۷ خود که مطالبات فوری را برشمردیم پاسخ کارگران به پیمانکاران را داده ایم و نباید به کمتر از آنها رضایت داد. ضمن اینکه شورای سازماندهی همانجا تاکید کرده است که توافقات جلسات هیچ مذاکره ای تا وقتی که انتخاب نمایندگان دموکراتیک و با نظارت کارگران انجام نشود و گزارش مذاکرات به کارگران اعتصابی داده نشده و توافق آنان اعلام نگردد، رسمیت پیدا نمیکنند. بنابراین نمیشود صرفا با مجوز ۵ هزار امضا نشست مذاکره ای داشت و توافقاتی کرد و ختم اعتصاب را اعلام نمود.

اما مهمترین مساله اینست که در طرح "پیگیری مطالبه گرایی در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران" خواستهای اصلی کارگران از قلم افتاده است. بعبارت دیگر طراحان این طرح هنوز مذاکره ای نشده مهمترین خواستهای دهها هزار کارگر اعتصابی را کنار گذاشته اند. از جمله در این طرح به خواست افزایش دستمزدها که محور اصلی اعتصاب دهها هزار کارگر پیمانی پروژه ای نفت هست، هیچ اشاره ای نشده است. این در حالیست که هم اکنون شماری از همکاران ما زیر فشار اعتصاب قدرتمند سراسری در نفت، پیمانکار را وادار کرده اند که با پیشنهاد افزایش دوبرابری مزد جلو بیایند و بر بیست روز کار و ده روز مرخصی تن بدهند. و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران تاکید کرده است که همین توافقات یک پیشروی است و باید مبنای مذاکرات سراسری باشد و نباید به کمتر از اینها رضایت داد. ضمن اینکه یک تاکید شورای سازماندهی اینست که دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد. در طرح گروه تلگرامی پایپینگ یک خواست مشخص بیست روز کار و ده روز مرخصی را که سنبه کارگران بر سر آن پر زور است برجسته شده است تا بعد با وعده پرداخت برخی مزایای شغلی دیگر چون حق اولاد و بن کارگری و بدی آب و هوا و بهبودهایی در کمپها و وضع غذا و غیره سر و ته قضیه را هم بیاورند. روشن است که اینها همه حق ما مسلم کارگران است و از ما دزدی شده است. اینها صدقه نیستند که به کارگر داده میشود. کار به جایی رسیده است که امروز حتی پرداخت بموقع مزد تبدیل به یک مطالبه شده است. ما کارگران

خوب میدانیم و تجربه کرده ایم که رسیدن به خواسته‌هایمان نه از طریق متوسل شدن به این بخش از حاکمیت و یا به بخش دیگر آن و چرخیدن در راهروهای قوانین و مصوبات و در چاقوب قوانین ظالمانه موجود، بلکه با مبارزه متحد و قدرتمند خود ما کارگران ممکن است.

ما می‌گوییم باید به امنیتی کردن مبارزات ما و مراکز نفتی خاتمه داده شود. طراحان طرح "پیگیری مطالبه گرایي با پیش کشیدن پای سران حکومت و چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران عملاً دارند ما را زیر فشار و محظورات می‌گذارند و مبارزات ما را امنیتی میکنند. و اگر صدایی غیر از این بلند شد مثل همیشه آنرا با زدن مهر "اغتشاش" و غیره میکوبند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
۲۴ تیر ۱۴۰۰

بیانیه شماره ۹ نگذاریم تجربه سال گذشته تکرار شود!

تجربه سال گذشته را هرگز فراموش نمی‌کنیم. اعتصاب متحد و گسترده ای داشتیم. اما در آخر وقتی که داشت ابعاد اعتراض ما گسترده تر میشد و همه پیگیر خواسته‌هایمان بودیم. همین ابرگروه کاریابی و پایپینگ و اکیپ پروژه ای سوت پایان را کشید و با گرفتن یک مشت وعده و وعید اعتصاب را پایان یافته اعلام کرد. امسال هم در حالیکه هر روز همکاران بیشتری به اعتصاب می پیوندند با طرح پیگیری مطالبه گری در چهارچوب قوانین اسلامی جلو آمده اند و یک نفر هم به اسم مازیار گیلانی نژاد را مقابل ما گذاشته اند و می‌گویند ایشان نماینده ماست و برای اینکه بتواند به مذاکره بنشیند، ۵ هزار رای میخواهد و رای بدهید. خوب جمع کردن این تعداد رای هم کار سختی نیست.

طبعاً همان کسانی که در جهت مهار اعتراض در چهارچوب قوانین حاکم کار میکنند امضا خواهند کرد. وابستگان حکومت هم ناخرسند نخواهند بود بخاطر اینکه به این سادگی اعتصابی در چنین ابعاد که تمام توجه ها را به خود جلب کرده است، قرار است توسط گروه پایپینگ جمع شود. بگذارید از همین اول بگوییم که خواست اول ما خواست افزایش دستمزدها است. بخاطر اینکه قیمت ها هر روز بالا تر میرود و اوضاع از سال گذشته هم بسیار بد تر است. در طرح پیگیری طراحان این برنامه به نحو عجیبی حرفی از اضافه شدن دستمزدها نیست و با یکسری تعلقات مزدی مثل بن کالاها، سختی کار و حق ایاب و ذهاب و ۴ نفره کردن اطاق و بیست روز کار، ده روز مرخصی میخواهند سر و ته قضیه را هم بیاورند. حرف ما اینست که اینها بخش بسیار کوچک مطالبات ما است. پارسال وعده های بزرگتر از اینها دادید که اجرایی نشد. بعلاوه همین الان هم برخی پیمانکاران بدون اینکه لزومی به ارائه چنین طرحهایی باشد بسیار بالاتر از اینها توافق کرده و حاضرند ما کارگران به سر کار بازگردیم. دلیلش نیز خسارت بزرگی است که تا همین جا به پیمانکاران زانو صفت وارد شده است. این ها خود نتیجه زور مبارزه ما و یک پیشروی مهم است.

اما سوال اینست که چرا باید خواسته‌های ما سر و دم بریده طرح شود؟ از دهها هزار کارگر که در اعتصاب هستند چرا پنج هزار نفر یک نماینده را آنهم به شیوه ای مبهم و غیر رقابتی قرار است انتخاب کنند؟ همانطور که در بیانیه های قبلی اعلام کردیم ما باید مبنای مذاکرات برای بازگشت به کار را نه بر اساس این مطالبات سر و ته بریده بلکه بالاترین رقم توافقی ای که در این مدت از سوی همکاران ما با پیمانکاران صورت گرفته است قرار دهیم و به کمتر از آنها رضایت ندهیم. آیا این منطقی تر و عملی تر و کارگری تر نیست؟ در جاهایی پیمانکاران زیر فشار اعتصاب حاضر به قبول پرداخت دو برابر دستمزد و قبول بیست روز کار و ده روز مرخصی و بهبود وضع کمپ ها شده اند. ما نیز اینها را اساس قرار دهیم و بر بهبود قابل قبول وضع کمپ ها و بالا بردن استاندارد بهداشتی و ایمنی در محیط کار و زندگی مان تاکید کنیم.

همکاران!

اعتصاب همکاران پروژه ای پیمانی ما هم اکنون دامنه اش به بیش

در یک کلام طرح مدیران گروه تلگرامی پایپینگ بطور واقعی طرح مطالبات ما کارگران نیست. بلکه در عالم واقع طرح مطالبه گری در چهارچوب قوانین حاکم یعنی ادامه بدبختی ما و چپاولگری پیمانکاران و جان کندن تحت قوانین معلوم الحال ویژه اقتصادی در جهنم عسلیویه و دیگر مراکز نفتی است. یعنی در حالیکه کارگران با خواسته‌هایشان در برابر چپاولگری پیمانکاران و قوانین ویژه اقتصادی که ساختار های اساسی مراکز نفتی را تشکیل میدهند صدای اعتراضشان بلند شده اند، این طرح میخواهد که اعتصاب ما کارگران و خواستها و مطالباتمان را در وضع موجود خاموش کند. نباید اجازه بدهیم که با چنین طرحهایی مبارزه ما کارگران بی نتیجه به پایان برسد. ما نمیخواهیم که تجربه سال گذشته تکرار شود و باز با وعده و وعید ما را سر بدوانند. ما کارگران نفت دیگر به این شرایط غیر قابل تحمل کار که تمام لحظاتش پر از تحقیر و توهین است تن نمیدهیم. برای روشن شدن حرف و گفته مان بخشی از بیانیه هفت شورا را که در آن بر خواستها و مطالبات فوری ما تاکید شده است را می آوریم و بار دیگر بر گرد آمدن متحدانه به دور خواسته‌هایمان تاکید میکنیم. اعتصاب ادامه دارد. بخشی از بیانیه ۷:

۴- خواست فوری که در صورت تحمیل آن به پیمانکاران اولین گام موفقیت در اعتصاب ما خواهد بود و از نظر ما رسمیت خواهد داشت را به ترتیب زیر اعلام میکنیم:

۱- افزایش دو برابری دستمزدها در همه سطوح مزدی به گونه ای که حداقل دستمزد هیچ کارگری کمتر از ۱۲ میلیون تومان نباشد. ... باید دستمزدهای معوقه ... نیز فوراً پرداخت شود.

۲- باید خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی از همان روز اول اجرایی شود.

۳- باید وضع کمپ ها بهبود جلدی یابد، غذاخوری های مناسب و در شان کارگران ایجاد شود و محیط های کار ایمن شوند. از همین رو پیمانکاران باید بطور مشخص اعلام کنند که چه اقداماتی در این رابطه انجام میدهند

۴- باید توافقات بصورت کتبی و رسمی صورت گیرد. و دولت موظف به پیگیری اجرای آن توسط پیمانکاران گردد.

... ادامه اعتصاب ابزار قدرت ماست که هر جا که برای بازگشت به کار فشار می آورند از موضع قدرت این مطالبات را در مقابلشان قرار دهیم. بعلاوه ... بازگشت به کار همکاران اخراجی باید مورد تاکید همه بخشها باشد.

... همانطور که اعلام کرده ایم ما خواستار برچیده شدن بساط پیمانکاران هستیم و تحقق همین خواسته‌های اولیه خود را یک قدم مهم در تضعیف پیمانکاران و برچیده شدن آنها میدانیم. ما با هرگونه امنیتی کردن مراکز نفتی مقابله خواهیم کرد و از همین رو اجازه نمیدهیم که شوراها

پایپینگ سپرد. باید خودمان نقش آفرین باشیم.

۲- از ابزار مدیای اجتماعی و گروههایی که در بخش های مختلف نفتی داریم استفاده کنیم و همین گفتمان ها را انجام دهیم و همانجا بخواهیم افرادی داوطلب شوند و یا کسانی را که می شناسیم کاندید کنیم و بخواهیم نماینده واقعی ما کارگران باشند.

۳- علاوه بر اینکه توافقات باید کتبی و رسمی باشد و توافقات هر مذاکره ای وقتی رسمیت یابد که کارگران بخشی که از جانبشان توافقی صورت گرفته رضایت خود را اعلام کنند.

به هر درجه و در هر تعداد شرکتی که بتوانیم به این گونه عمل کنیم. زمینه های دخالتگری حداکثری کارگری را فراهم کرده و خودمان دخالتگر خواهیم بود. در هر حال انجام این کارها باید صورت گیرد و امروز بیش از هر وقت ضروری و حیاتی است.

درد بر همکاران اعتصابی نفت، زنده باد همبستگی و اتحاد،
۲۸ تیر ۱۴۰۰

بیانیه شماره ۱۰ رای گیری برای پایان اعتصاب بدون رسیدن به خواستها عملی اعتصاب شکنانه است!

بیش از یکماه از اعتصاب قدرتمند ما کارگران پیمانی نفت که در آن دهها هزار از همکاران پروژه ای ما در ۱۵ استان و ۱۱۴ مرکز پروژه ای به میدان آمده اند، میگذرد. در کنار این اعتصاب سراسری همکاران اعتصابی ما در شهرهای محل سکونت خود جمع شده و بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواستههایشان تاکید کرده اند. و اکنون درست در هنگامیکه همه آماده ایم که ثمره اعتصاب متحدانه خود را بچینیم و از موضع قدرت مطالباتمان را در مذاکره با پیمانکاران چپاولگر به جلو بیاوریم و جلوی زورگوییهایشان بایستیم، سردمداران گروههای مدیریت پایپینگ که عملاً خود را در مقابل کارگران معترض و مطالبه گر بازنده می بینند یکباره طرح نظر سنجی برای خاتمه اعتصاب را در گروههایشان به رای گذاشته اند. بدون اینکه ما کارگران اعتصاب به خواستههایمان رسیده باشیم و یا حتی پیش شرط رسیدن به مطالباتمان را مطرح کرده باشند. آنها بدین شکل میخواهند خود را از "مخمصه اعتصاب" نجات دهند و ختم آن را اعلام کنند. این عمل تفرقه افکنانه و به غایب غیر مسئولانه گروههای پایپینگ باید از سوی همه کارگران اعتصابی نفت طرد و محکوم شود.

همکاران! ما برای حق و حقوقمان به اعتراض برخاسته ایم. ما از دست پیمانکاران چپاولگر به امان آمده ایم و دیگر حاضر به ادامه این توحش و بردگی نیستیم. دستمزد ما به هیچوجه کفاف زندگی ما را نمیدهد و با بالا رفتن قیمت ها وضع زندگی مان هر روز اسفناک تر میشود. کار شاق و ساعات طولانی هر روزه آنها در زیر گرمای تابستانهای سوزان و در میان انواع و اقسام آلودگی های زیست محیطی زندگی ما را تباہ کرده است. ما دیگر حاضر نیستیم در چنین شرایطی و در فقر و بی تأمینی زندگی کنیم و شاهد محرومیت فرزندانمان از داشتن یک زندگی شایسته انسان باشیم.. ما دیگر حاضر نیستیم که در آن کمپ های سراپا تحقیر که توهینی آشکار به منزلت انسانی ما کارگران است سرکنیم. ما دیگر حاضر نیستیم که هر روز بخاطر فقدان اولیه ترین تجهیزات لازم ایمنی کار قربانی دهیم. ما دیگر حاضر نیستیم این چنین با فقر و تبعیض

از ۱۱۴ مرکز رسیده است. قبلاً گزارش کردیم که در جاهایی بخشی از کارگران با پیشنهادهای که کارفرمایان داده اند بسر کار برگشته اند. نمونه های آن بازگشت به کار بخشی از کارگران شرکتهای آر جی سی، پایندان و مینا در فاز ۱۴ کنگان و پتروشیمی بوشهر و ساز و پاد و جهانپارس است. از سوی دیگر بنا بر خبرهای دریافتی در جاهایی از کارگران دعوت به کار شده است و شماری از آنها بعد از بازگشت به محل با دیدن فریب بودن وعده های داده شده، دوباره کار را تعطیل کرده و به اعتصابشان ادامه داده اند. قابل توجه اینجاست که حتی کارگرانی که با دوبرابر مزد و ۲۰ روز کار و ده روز مرخصی به کار برگشته اند شمارشان بسیار کمتر از کارگرانی است که دارند از شرکت های دیگر به اعتصاب می پیوندند و بر این مینا اعتصاب همچنان با گستردگی جریان دارد. بویژه همین حرکت اخیر کارگران پروژه ای در برخی شهرها مثل آبادان، خرمشهر، مسجد سلیمان، هفتشجان، ایذه، لردگان و... و اعلام حمایت جمعی از اعتصاب نقطه قوتی برای پیشروی اعتصاب است و داریم با قدرت جلو میرویم.

همه شاهدیم که چگونه همه تلاش میکنند جلوی حرکت به حق ما را بگیرند. عده ای معلوم الحال میگویند اداره کار منطقه ویژه اقتصادی را شورای اسلامی کنیم. یکی دیگر میگوید شورای اسلامی بر اساس قانون کار را تشکیل دهیم و یکی هم این وسط تحت عنوان بزرگترین ابرگروه کاریابی و پایپینگ و اکیپ پروژه ای با طرح پیگیری مطالبه گرایي در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران دارد بطور واقعی همان نقش شوراهای اسلامی را عملی میکند و در واقع هدف همه شان مهار کردن اعتصاب ما و دوباره حواله دادن ما کارگران به یک مشت وعده و وعید است.

حرف آخر ما اینست که اجازه ندهیم با چنین طرحهایی اعتصاب ما را به بیراهه بکشند و مهار کنند. همانطور که در بیانیه هشت خود اعلام کردیم بر اساس همین قوانین و از جمله قوانین ویژه اقتصادی است که پدر کارگر را در آورده اند و در یک بی قانونی مطلق زیر بیشترین فشار قرار داده اند.

افزایش دوبرابری دستمزدها تاکید اول ماست و همانطو که دیگر بخشهای کارگری هم تاکید کرده اند، دستمزد هیچ کارگری نباید زیر ۱۲ میلیون باشد و مزد باید هر ماهه بموقع پرداخت شود. ما خواهان امنیت شغلی هستیم و قراردادهای باید دائمی شوند. کارگران اخراجی باید سرکار برگردند. ایمنی محیط کارما باید تأمین شود و کمپ ها و وضع غذا و غذا خوری ها استاندارد و قابل قبول شوند. و ما خواهان ۲۰ روز کار و ده روز مرخصی هستیم.

دوستان! خواستههای ما حلقه اصلی اتحاد سراسری ما کارگران است و ما میتوانیم متحدانه پیگیر این مطالبات شویم. و برای آن بر نکات زیر تاکید میکنیم:

۱- کارگران ساکن در منطقه همانطور که جمع میشوند و مجمع عمومی تشکیل میدهند بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواستههایشان تاکید میکنند، میتوانند نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند و اعلام کنند که اگر در جایی قرار به مذاکره ای شود، نماینده خود را میفرستند. چنین افرادی همین امروز موجودند. همانطور که کارگران با جسارت جلوآمده و در اجتماعاتشان پیام میدهند میتوانند جلو بیایند و کاندید نمایندگی جمع خود باشند. نمیشود خانه نشست و کار را به طراحان گروههای مدیریت

برای خواسته‌هایمان شویم. بدین ترتیب ضروری است که افرادی پا پیش بگذارند و داوطلب شوند و یا کسانی را که می‌شناسیم کاندید کنیم و بخواهیم نماینده واقعی ما کارگران باشند. طبعاً به هر درجه و در هر تعداد شرکتی که بتوانیم به این گونه عمل کنیم و مطالبات خود را تحمیل کنیم، زمینه‌های دخالتگری حداکثری کارگری را فراهم کرده و خودمان تصمیم گیرنده خواهیم بود.

همکاران! این راهی است که بالاخره باید برویم و امروز برداشتن اولین گام‌ها در این جهت بیش از وقت ممکن، ضروری و حیاتی است. شورایی تصمیم بگیریم و متحد بمانیم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت
۱ مرداد ۱۴۰۰، ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۱

بیانیه شماره ۱۱ در چه نقطه از اعتصاب خود قرار گرفته ایم؟ سخنی اضطراری با همکاران عزیز اعتصابی

بنا بر خبرهایی که لابد خودتان نیز در جریان آن قرار دارید، یکسری از شرکت‌ها شروع به کار کرده‌اند. بعلاوه پتروشیمی‌های مادر نیز به یکسری شرکت‌ها اولتیماتوم داده‌اند که ظرف ده روز نیروی خود را تکمیل و کارشان را آغاز کنند. طبق همین گزارشات شماری از کارگران اعتصابی بسر کار بازگشته‌اند. اما بخش بیشتر آنان همچنان در اعتصابند. کارفرمایان باب مذاکره را با کارگران رده تخصصی آغاز کردند و آنها را با افزایش دوبرابری مزد و بیست روز کار و ده روز مرخصی بسر کار بازگرداندند. اما کارگران کمکی و روزمزد افزایش مزد چندانی نداشته‌اند. اگر چه بیست روز کار و ده روز مرخصی شامل آنها نیز میشود. در عین حال گزارشات داریم که پیمانکاران برای به راه افتادن پروژه خود از کمک جوشکار به عنوان جوشکاران دارای تخصص استفاده کرده‌اند. ما همانطور که در بیانیه قبلی اشاره کردیم این عقب نشینی‌ها نیز خود نتیجه فشار اعتصاب ما کارگران بوده است. در جاهایی هم پیمانکاران فریبکارانه کارگران را با دستمزد دوبرابری و بیست روز کار ده روز مرخصی سر کار بازگردانده‌اند و حتی ساعت کارشان را روزی هشت ساعت تعریف کرده‌اند. که ما نسبت آن قبلاً هشدار داده ایم.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی همانطور که در بیانیه شماره ۱۰ هشدار داد نظرخواهی در مورد پایان اعتصاب از سوی سردمداران گروه‌های مدیریت پایبند می‌تواند موجب شکاف و تشتت در صفوف کارگران اعتصابی شود. و بر اساس گزارشات این طرح موجب خشم بسیاری از کارگران شده و زمزمه اینکه باید خودمان نماینده تعیین کنیم و پیگیر مطالباتمان شویم، خودمان باید از طریق نمایندگان انتخابی مان وارد مذاکره شویم و... بالا گرفته است. این دقیقاً راهکاری است که شورای سازماندهی اعتراضات در بیانیه‌های شماره قبل از جمله در بیانیه شماره ۱۰ در مقابل همکاران اعتصابی قرار داد. بویژه اینکه بعد از یکماه اعتصاب امروز در موقعیت قویتری قرار داریم و میتوانیم با نیروی بیشتری وارد مذاکره و قرارداد برای بازگشت به کار شویم. اکنون با توجه به وضعیت اضطراری‌ای که با آن روبرو هستیم و با اتکاء به دستاوردهای تا کنونی اعتصابمان، شورای سازماندهی بر نکات فوری زیر تاکید میکند:

۱ - فوراً و فوراً نمایندگان خود را انتخاب کنیم. این یک حلقه کلیدی برای جلوگیری در متفرق شدن صف اعتراضان و با

و بی‌تامینی در بردگی و اسارت کار پیمانی زندگی بسر کنیم. اینها همه موضوع اعتراض ما کارگران اعتصابی پروژه ای در نفت است. در این میان سردمداران گروه پایبند به گفته خود با هدف تعهد و پایبندی به نظام دارند زندگی و معیشت ما کارگران را به مزایده و مناقصه می‌گذارند. از همین رو هنوز جوهر طرح پیگیری مطالبه‌گری در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی و نماینده تراشی‌شان که ما قبلاً در مورد آن هشدار دادیم خشک نشده، می‌خواهند خود را از همه اینها خلاص کنند و با طرح رای‌گیری برای پایان اعتصاب به میدان آمده‌اند. بدین ترتیب اگر در اعتصاب سال گذشته وعده و وعید تحویل‌مان دادند. امسال حتی همان را هم مدعی نیستند و فقط می‌خواهند اعتصاب پایان یابد. نباید اجازه دهیم.

دوستان! روشن است که هر اعتصابی شروعی دارد و پایانی دارد. اما پایان اعتصاب را خود ما کارگران باید تعیین کنیم. طبعاً در جایی چون صنعت نفت که با شرکت‌های بسیاری در مراکز مختلف نفتی طرف هستیم نمیتوان براحتی از یک تاریخ معین و سراسری برای پایان اعتصاب سخن گفت. بنابراین همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم مهم‌ترین چیزی که به اعتصاب ما معنا و مفهوم سراسری میدهد خواسته‌های متحد و سراسری است و موفقیت ما نیز در تحمیل همین مطالبات به پیمانکاران است. بنابراین در هر تعداد شرکتی که بتوانیم مطالباتمان را تحمیل کنیم، بدون شک همکارانمان در شرکت‌های دیگر در موقعیت بهتری برای تحمیل خواسته‌هایشان قرار خواهند گرفت. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی در بیانیه‌های قبلی خود در این مرحله از اعتصاب بر ۴ خواست فوری زیر تاکید کرده است:

۱- افزایش دو برابری دستمزدها در همه سطوح مزدی به گونه‌ای که حداقل دستمزد هیچ کارگری کمتر از ۱۲ میلیون تومان نباشد. بنابراین همانطور که برخی از همکاران ما با پیشنهاد افزایش دو برابری دستمزدهای خود به کار بازگشتند، باید همه کارگران اعتصابی دستمزد دوبرابری را مطالبه کنند. بعلاوه در خیلی جاها همکاران ما بخشی از مزد ماههای قبل خود را طلب دارند و باید دستمزدهای معوقه آنان نیز فوراً پرداخت شود.

۲- باید خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی از همان روز اول اجرایی شود.

۳- باید وضع کمپ‌ها بهبود جدی یابد، غذاخوری‌های مناسب و در شان کارگران ایجاد شود و محیط‌های کار ایمن شوند. از همین رو پیمانکاران باید بطور مشخص اعلام کنند که چه اقداماتی در این رابطه انجام میدهند

۴- توافقات باید کتبی و رسمی باشد و توافقات هر مذاکره‌ای وقتی رسمیت یابد که کارگران بخشی که از جانبشان توافقی صورت گرفته رضایت خود را اعلام کنند.

یک شرط مهم برای پیگیری این مطالبات دخالتگری حداکثری خود ما کارگران است. از جمله همانطور که همکاران ما در جاهای مختلف دارند جمع میشوند و بر ادامه اعتصاب تاکید میکنند، این جمع شدن‌ها را میتوانند منظم برپا کنند و در آن تصمیم‌گیری کنند و از میان خود نمایندگان برای مذاکره حول خواسته‌ها و مطالباتشان تعیین کنند. در عین حال ابزار مدیای اجتماعی و گروه‌هایی که در بخش‌های مختلف نفتی داریم مکان مناسبی برای پیش بردن همین گفتمان‌ها است و همانجا میتوانیم افرادی که به راستی سخنگوی مطالبات ما هستند را به عنوان نماینده خود تعیین کنیم و هر زمان که مناسب دانستیم آماده مذاکره

➔ قدرت وارد مذاکره شدن با پیمانکاران است. اجازه ندهیم که بصورت فرد به فرد ما را به کار فرا بخوانند و هر چقدر توانستند زور بگویند. برای اینکه نیروهایی چون سردمداران گروه های پایینگ که هر بار برای مهار اعتراضاتمان مهندسی شده وارد کار میشوند و ختم اعتصاب را اعلام میکنند و یا تلاش میکنند آنرا به پایان برسانند و نیز مانع هر نوع تجمع و اعتراضی بوده اند را به عنوان یک مانع از سر راه خود برداریم، باید خودمان با دخالتگری حداکثری وارد کار شویم. انتخاب نماینده واقعی یک قدم مهم در سازمان یافتن اعتراضات ماست و مهم است و اکنون بسیار ضروری است. در عین حال برای پیگیری مطالباتمان برای برداشتن قدمهای بعدی اعتراض این کار لازم و حیاتی است.

۲ - چهار مطالبه فوری خود را که قبلا نیز اعلام کردیم مبنای مذاکره و بازگشت به کار قرار دهیم. افزایش دستمزد در حد بالاترین مزد توافق شده میان پیمانکاران و کارگرانی که حاضر به بازگشت به کار شده اند (بنا بر گزارشات این مزد دو برابر دستمزد تا کنونی کارگران بوده است) و پرداخت بموقع دستمزدها، پرداخت دستمزدهای معوقه، ۲۰ روز کار و ده روز مرخصی و بهبود جدی کمپ ها و کیفیت غذا و بستن قرارداد تا پایان کار پروژه. قراردادها باید کتبی و رسمی باشند. ما میتوانیم با قدرت یک ماه اعتصاب خود و با تاکید بر اینکه به کمتر از این حداقل ها رضایت نمیدهیم این مطالبات اولیه را تحمیل کنیم.

۳ - در جاهاییکه کارگران با توافقاتی حاضر به بازگشت به کار شده اند، باید علاوه بر توافقی که کرده اند، فشار بگذارند که قرارداد تا آخر پروژه باشد. قراردادهای یکماهه فقط یک فریب است. بعلاوه اینکه بستن قرارداد و بازگشت به کار به معنای قبول ادامه وضعیت اسفناک کمپ ها و غذا نیست باید فشار آورد که استاندارد آنها در حد قابل قبولی بالا رود. در محل کار هم اگر جمع باشیم، میتوانیم اعتراض کنیم و این مطالبه اولیه و پایه ای را بقبولانیم. در عین حال از همین الان در تمام شرکت ها نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم که همچنان بصورت سازمانیافته پیگیر باقی مطالباتمان شویم.

۴ - بخش بزرگی از همکاران ما طلب مزدی دارند. همکارانی که به محل کار مراجعه کرده اند و هنوز دستمزد پرداخت نشده دارند، میتوانند جمع شوند، اولتیماتوم دهند و مزدشان را بخواهند. پیمانکاران باید بدانند و ببینند که بازگشت به کار بمعنای پایان اعتراض و نیز ادامه قلدری ها و بالا کشیدن مزد کارگران نیست.

۵ - تعدادی از همکاران ما اخراج شده اند و اینها کارگرانی هستند که در عین حال دستمزد پرداخت نشده دارند. باید به محل مراجعه کنند و با حرکتی جمعی خواستار بازگشت به کار و پرداخت طلبهایشان شوند.

۶ - در جاهایی عناصری از شورای اسلامی چی ها به تحرک در آمده و میخواهند شورای اسلامی را در مراکز نفتی علم کنند. یک نمونه آن مجتمع پتروشیمی آبادان است. در آنجا در حالیکه کارگران به اخراجها اعتراض دارند، عده ای جلو افتاده و با علم کردن شورای اسلامی میخواهند این اعتراضات را به بیراهه بکشاند. نباید اجازه دهیم پای شوراها را به نفت باز شود. یک موضوع اعتراض ما امنیتی بودن فضای مراکز نفتی است و اضافه شدن شورای اسلامی به نیروی حراستی هایی که در بخش های مختلف بکار گرفته شده اند، فضا را به شدت امنیتی تر خواهد کرد. باید با افشا و نقد این توطئه جلوی این تعرض را بگیریم.

دوستان!

ما تا همین جا دستاوردهای مهمی در طول یک ماه اعتصاب خود بدست آورده ایم که هم برای همین امروز و هم برای پیشروی بیشتر و آینده مبارزاتمان مهم هستند. از جمله ما با فشار اعتصاب سراسری خود کاری کرده ایم که پیمانکاران مجبور شوند در جاهایی با پیشنهاد افزایش دوبرابری دستمزد و بیست روز کار و ده روز مرخصی جلو بیایند و این بر دیگر قراردادها در سطح سراسری تاثیر میگذارد. ما این گفتمان که کمپ ها و غذا باید بهبود یابد را بدرجه زیادی جلو برده ایم و الان به بحث مهمی در درون مسئولین تبدیل شده است و به نظر ما اینها راهی ندارند جز بهبود وضعیت زیستی و شرایط کاری ما کارگران. بعلاوه ما با اعتصابات خود در این دو سال اخیر توانسته ایم فضای امنیتی نفت را بدرجه زیادی بشکنیم و زبان پیمانکاران را کوتاه تر کنیم و این موفقیت ها راه را برای پیگیری مطالبات به حقی که داریم فراهم تر کرده است. مهمتر از همه ما کارگران در این اعتصابات قدرت عظیم خود را تجربه کرده ایم و این ما را در موقعیت بسیار قویتری برای پیگیری مطالباتی که داریم قرار میدهد. خصوصا اینکه ما موفق شده ایم شورای سازماندهی خود را درست کنیم که کارگران سخنگوی واقعی خود را داشته باشند و بالاخره اینکه در جریان یک کشاکش سخت توانسته ایم دست سازشکاران را برای کارگران بیشتر باز کنیم. با اتکاء به این پیشروی ها اعتصاب و اعتراضات خود را در اشکال مختلف به پیش خواهیم برد و تلاش میکنیم خواستههایمان را به کرسی بنشانیم.

خوشحالیم که اعتصاب سراسری ما به نقطه امیدی برای همه تبدیل شده و همبستگی های بسیاری را همراه داشته است و بسیار هم سپاسگزاریم. بطور خلاصه تاکید ما این است که تا زمانیکه خواستههای ما پاسخ نگرفته، دست از اعتراض و مبارزه متحدانه بر نخواهیم داشت. این را همه پیمانکاران، مسئولین باید بدانند.

زنده باد اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی نفت.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۳ مرداد ۱۴۰۰

۲۹ تیر ۴۰۰



نماینده گی کومه له در خارج کشور

کمیته خارج کشور

دبیرخانه

حزب کمونیست ایران

آدرس های

حزب کمونیست ایران

و کومه له

K.K. P.O.Box75026
750 26 Uppsala - Sweden
Fax: 004686030981
representation@komalah.org
Tel: 0046 8 6030981

0046-707 254 016
kkh@cpiran.org

C.D.C.R.I. Box 2018
127 02 Skärholmen
SWEDEN
dabirxane.cpi@gmail.com

کارگران اعتصابی صدای اعتراض اکثریت مردم ایران!

توازن قوا به نفع جنبش اعتراضی تغییر نمی کرد و خیزش های سراسری دی ماه و آبان با این ابعاد خیره کننده اتفاق نمی افتادند.

این دستاوردها و پیکار عظیم طبقاتی علیه سرمایه داران، به بهای فداکاری های کارگران صورت گرفته است. طبقه کارگر در مسیر کسب این دستاوردها شلاق خورده، از کار اخراج شده، رهبرانش به شکنجه و مرگ در زندان محکوم شده اند. اعتصابات طولانی مدت و اعتراضات پی در پی، در همان حال که زمینه های مناسب تری برای سازمانیابی کارگران فراهم کرده، نسل جدیدی از رهبران و فعالین کارگری را پرورده و به جلو صحنه این مبارزات کشانده است. وجود همین فعالین و رهبران کارگری در دل اوضاع کنونی، سازماندهی این اعتصابات عظیم را تضمین کرده است. اما اوضاع سیاسی کنونی انتظارات فراتری را از فعالین و رهبران کارگری و بویژه از فعالین سوسیالیست جنبش کارگری می طلبد.

در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی با یکی از عمیق ترین و همه جانبه ترین بحران های دوران حیات خود روبرو شده است. بحرانی که از آن جان سالم به در نخواهد برد. این تنها ارزیابی ما کمونیست ها نیست بلکه کسانی که رابطه گسترده ای با محافل حکومتی دارند و شاخک های حساسی آنها در این موارد دقیق تر عمل می کنند، بر این باورند که جمهوری اسلامی دارد به سمت فروپاشی می رود. همین اوضاع بحرانی و موقعیت آشفته جمهوری اسلامی است که بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران را بر آن داشته تا برای ایفای نقش در تحولات سرنوشت سازی که در راه هستند و برای مدیریت گذار از جمهوری اسلامی و دست به دست کردن قدرت از بالا و عقیم گذاشتن جنبش انقلابی کارگران و محرومان جامعه نقشه بریزند. درست در چنین شرایطی است، که نیاز به ایفای نقش در رهبری مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از فعالین و رهبران سوسیالیست جنبش کارگری می طلبد که در جلو صحنه سیاسی جامعه ظاهر شوند.

خواست افزایش دستمزد ماهانه به ۱۲ میلیون تومان، برچیدن قراردادهای کار موقت، حق ایجاد تشکل های مستقل و

نیشکر هفت تپه، اعتراضات گسترده چند روز گذشته به قطع برق و خاموشی های ممتد، اعتراضات توده ای به قطع آب و تداوم تجمع اعتراضی بازنشستگان پاسخ نمادین طبقه کارگر و تهیدستان شهری به استراتژی سرکوب عریان و گسترده رژیم اسلامی است. اگر رژیم جمهوری اسلامی با یکدست کردن قوای قضائیه، مقننه و مجریه و با رئیسی جلاد به میدان آمده است، طبقه کارگر و تهیدستان شهری هم با اعتصابات سراسری و به اعتراضات خیابانی به مقابله برخاسته اند. ابعاد بی سابقه فقر و فلاکت اقتصادی، همه گیری کرونا که امنیت



جانی را از مردم سلب کرده است، قطعی آب و برق و درماندگی رژیم در کنترل این بحران ها، خیزش های عظیم تری را در چشم انداز اوضاع سیاسی ایران قرار داده است.

اعتصاب متحدانه و سراسری کارگران، اعتراضات تهیدستان شهری و حمایت بخشهای دیگر جامعه از این اعتصابات و اعتراضات درست در هنگامه روی کار آمدن رئیسی جلاد نشان می دهد که تداوم بی وقفه مبارزات کارگران در سال های اخیر، به رغم نتایج اقتصادی محدود آن، دستاوردهای سیاسی و مبارزاتی و پیامدهای اخلاقی عظیمی برای طبقه کارگر ایران در بر داشته است. اعتصاب ها، بیش از ده ها مقاله ترویجی قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده اند؛ به آنها آموخته اند که تعرض سرمایه داران و دولت حامی آنان را با مبارزه متحدانه پاسخ دهند؛ به آنها نشان داده اند که کارگر سازمان یافته تا چه حد می تواند برای سرمایه داران هراس انگیز باشد. بدون این مبارزه و بدون این جنبش مطالباتی، طبقه کارگر توده ای سرخورده و بی افاق می بود. بدون روند رو به گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری و تأثیرات آن بر فضای سیاسی جامعه

در حالیکه اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی توأم با برپائی تجمع های اعتراضی در بیش از صد پالایشگاه، نیروگاه و شرکت پترو شیمی با قدرت ادامه دارد، موج جدیدی از اعتراضات خیابانی و اعتصاب در بخشهای مختلف مجتمع صنعتی هفت تپه نیز آغاز شده است. پرداخت حقوق معوق کارگران، بازگشت به کار تمام کارگران اخراجی، خروج فوری اسد بیگی از شرکت، پروسه کامل خلع ید از بخش خصوصی و واکسیناسیون رایگان از اهم مطالبان کارگران هفت تپه است. در حالی که اعتصاب متحدانه کارگران نفت و پتروشیمی و هفت تپه ادامه دارد اعتراضات مردم به قطع آب در شهرهای اهواز، سوسنگرد، کوت عبدالله به بیش از ده شهر گسترش یافته است. طی این اعتراضات که با حضور گسترده نیروهای نظامی همراه بوده، مردم معترض برخی از جاده ها را مسدود کرده اند و علیه سران حکومتی شعار

سر دادند. در جریان این اعتراضات مصطفی نعیموای، یکی از اهالی شادگان بر اثر تیراندازی نیروهای امنیتی جان خود را از دست داد. همزمان با این اعتراضات اتحاد بازنشستگان طی فراخوانی سراسری اعلام کرده برای پیگیری وعده های داده شده قبل از انتخابات، برای پیگیری مطالبات قانونی و مشروع بازنشستگان و مستمری بگیران اجتماعی روز یکشنبه ۲۷ تیر ماه ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه در تهران مقابل سازمان تامین اجتماعی و در شهرستانها مقابل اداره کل تامین اجتماعی تجمع های اعتراضی برگزار خواهند کرد. همزمان با این تحولات حدود ۷۰ تن از روزنامه نگاران و خبرنگاران طی بیانیه ای از اعتصاب و مطالبات کارگران صنعت نفت و پتروشیمی ها حمایت کرده اند. آنها طی این بیانیه خطاب به کارگران اعتصابی اعلام کرده اند: «ما روزنامه نگاران و خبرنگاران که رسالتمان انعکاس صدای گروه های مختلف جامعه است، اذعان می کنیم در این لحظه این شما هستید که در جایگاه یک رسانه و به طور عملی صدای واقعی ما شده اید».

اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی، اعتصاب کارگران

ضرورت پیوند خیابان و کارخانه

تأمین بهداشت و آموزش و پرورش رایگان و از این طریق پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی که کارگران اعتصابی پرچم آن را برافراشته اند خواست اکثریت قاطع مردم ایران است. روزنامه نگاران به حق گفته اند که کارگران اعتصابی صدای اعتراض ما هم هستند. لازم است برای این خواسته ها مقبولیت اجتماعی بیشتری کسب کرد. تأمین رهبری طبقه کارگر بر جنبش های اعتراضی و ظاهر شدن آن در رهبری جامعه در گرو آن است که جنبش کارگری و فعالین و رهبران این جنبش با احزاب و سازمانهای درون جنبش کمونیستی ایران که خود را مدافع پیگیر منافع کارگران و محرومان می دانند با هم عجین شوند. لازم است برای کسب مقبولیت اجتماعی پاسخ کمونیست ها به معضلات جامعه تلاش فعالانه تری انجام داد. لازم است مردم را هر چه بیشتر از زیر نفوذ استراتژی سیاسی بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی بیرون آورد. لازم است معنای واقعی پیروزی بر نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را به درک عمومی تبدیل کرد. لازم است انتظارات مردم را چنان بالا برد که برای تحقق آزادی، برابری و تأمین رفاه اجتماعی به چیزی کمتر از سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و حکومت شورایی کارگران و محرومان جامعه تن ندهند.

روز جمعه اول تیرماه کارکنان عملیاتی سکوهای گازی طی نامه ای خطاب به معاون عملیات و پشتیبانی شرکت نفت و گاز پارس جنوبی اعلام کردند که از روز شنبه دوم مرداد ماه از عزیمت به سکوهای عسلویه خودداری میکنند و همچنین در سایت یک عسلویه و فرودگاه دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شمار کارکنان ۲۹۰ نفر است و دلیل اعتراض آنها به نحوه ی افزایش مزدی سال ۱۴۰۰ و خلف وعده های داده شده مقامات مسئول اعلام شده است. کارکنان عملیاتی سکوهای گازی در حالی به اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی می پیوندند که اعتراضات مردم خوزستان همچنان ادامه دارد. گسیل گسترده ی نیروهای سرکوبگر امنیتی و یگان های ویژه تاکنون نتوانسته خیزش مردم در خوزستان را فرو بنشانند. موج این اعتراضات تاکنون دستکم ۲۸ شهر را فرا گرفته است. اعمال خشونت و سرکوب مردم معترض و تشنگان آب در استان خوزستان در حالی صورت میگیرد که مردم ایران درگیر موج پنجم کرونا هستند. قاسم جان بابایی، معاون درمان وزارت بهداشت به دلیل شیوع گسترده موج پنجم کرونا در سراسر ایران در تمامی بیمارستانها اعلام آماده باش داده است. کانال خبری وزارت بهداشت خود جمهوری اسلامی در خصوص رنگبندی جدید کرونایی اعلام نموده، ۲۳۲ شهرستان در وضعیت قرمز، ۱۱۷ شهرستان در وضعیت نارنجی و ۹۹ شهرستان در وضعیت زرد قرار دارند. همه گیری کرونا، مشکلات معیشتی کارگران و تهیدستان، تعطیلی واحدهای تولیدی و بیکارسازی ها، بحران در موسسات اعتباری صندوق های بازنشستگی، گرانی روز به روز مواد غذایی، مشکلات زیست محیطی و تشدید بحران کم آبی زندگی بخش وسیعی از ساکنان شهرها و روستاهای ایران را در شرایط بس دشواری قرار داده است. گسترش اعتصابات کارگری و خیزش مردم خوزستان در شرایط همه گیری کرونا نشان از آن دارد که کارگران و مردم بیش از این تاب تحمل این همه فقر و محرومیت را ندارند. اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی، اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، خیزش قهرمانانه مردم خوزستان، تداوم تجمع اعتراضی بازنشستگان پاسخ طبقه کارگر و تهیدستان شهری به استراتژی سرکوب عریان و گسترده رژیم اسلامی است. اگر رژیم جمهوری اسلامی با یکدست کردن قوای سه گانه و با رئیسی جلال به میدان آمده است، طبقه کارگر و تهیدستان شهری هم با اعتصابات سراسری و به اعتراضات خیابانی به مقابله برخاسته اند. اگر چه اعتراض به کم آبی جرعه خیزش خوزستان را زده است، اما این خیزش کلیت رژیم و سیاست های کلان آن که منطقه را به نابودی کشانده است را هدف

قرار داده است. برای به شکست کشاندن استراتژی سرکوب رژیم و برای زمینگیر کردن ماشین سرکوب آن، پیوند جنبش های اعتراضی در کف خیابان با جنبش اعتصابی کارگران در کارخانه و مراکز تولید و خدماتی به یک ضرورت سیاسی و مبارزاتی تبدیل شده است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی صنعت نفت در حمایت از خیزش مردم خوزستان طی بیانیه ای اعلام کردند: «مطالبات مردم خوزستان مطالبات ما کارگران نفت که بخشی زیادی از سال را دقیقاً در خوزستان و استانهای همجوار آن در جنوب ایران بسر میبریم و زیر آفتاب سوزان تابستانی کار میکنیم نیز هست. سیاست های سودجویانه سرمایه داری و حرص و ولع وابستگان به نهادهای حکومتی محیط زیست را در همه جا تخریب کرده و به نابودی کشانده است و در برابر این فاجعه مردم بی تأمین به حال خود سپرده شده اند و نتیجه همه اینها وضعیت اسفباری است که امروز در خوزستان جلوی چشممان قرار دارد. بعلاوه همه مردم فغانشان از فقر و گرسنگی و بی عدالتی ها و اختلاسها بلند است. تا جاییکه حتی آب شرب هم از آنها گرفته شده است. این وضع باید از اساس و پایه تغییر کند. ما هم در این دردها شریکیم. مردم محروم و رنج کشیده خوزستان امروز صدای اعتراض همه ما کارگران و مردم در سراسر کشور هستند و حمایتشان میکنیم.» کارگران و مردم جان به لب رسیده ایران که با نرفتن به پای صندوق نمایش انتخاباتی در روز ۲۸ خرداد و با «نه بزرگ» نمایش انتخاباتی رژیم را رسوا و به شکست کشاندند، اکنون هم با موج اعتصابات و خیزش خیابانی خود نشان دادند که مرعوب استراتژی سرکوب عریان و بی امان رژیم نمی شوند. این تحول نشانه امید بخشی از پیوند جنبش اعتراضی خیابان با جنبش اعتراضی و اعتصاب کارگران در محیط کار و تولید است. خیزش قهرمانانه مردم خوزستان که با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای همراه شده است فقط در همبستگی و پیوند با اعتصاب سراسری و با شکوه کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی، در همبستگی با کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، در همبستگی با اعتراضات بازنشستگان و معلمان و دانشجویان و جنبش های اعتراضی در سراسر ایران است که می تواند جایگاه واقعی خود را در به عقب نشاندن حکومت اسلامی و مبارزه برای سرنگونی آن باز یابد. در دل این اعتصابات، خیزش های توده ای و جنبش های اعتراضی است که شرایط برپائی شوراهای دیگر تشکل های پایدار کارگری، ایجاد شوراهای محلات و نهادهای حاکمیت کارگری و توده ای و ملزومات نبرد نهایی برای سرنگونی انقلابی جمهوری فراهم می آید.

عباس منصوران

از زاگرس تا کارون جلگه، کویر می‌شود و خوز، خوزستان خوناب

زیست و زندگی سرمایه‌داری است که در برابر گلوله بر سپهر زمین پژواک می‌یابد. تاریخ، این برآمد تشنه‌گان برای حق آبه‌ای برای آشامیدن با شرمساری بر برگهای خونین خود چون نبشته‌ای با شیرسنگ‌های بختیاری و لرستان بر بستر زمین به یادگار می‌گذارد.

سرزمین خوز، خوزستان، بستر گرفته بر دریای نفت و گاز که باید دارایی همه‌گان باشد، سرقت شده به دست باندهای مافیایی مسلح به ماشین سرکوب، با سلاح سیاسی - ایدئولوژیک اسلام در گروگان، همانند بلوچستان تفته و حکومت شوندگان کردستان کوهوار ستم بردوش. خوزستان برخاسته است با مردمان کار. خوزستان فریاد واعظ‌ها سومی دهد با رودها و آبشارهای خروشان از رشته کوه‌های زاگرس که زاینده رود کارون است، سرچشمه گرفته و به دست حاکمیت مافیا به سرقت برده شده‌اند.

رودهای خوزستان و لرستان!

رود کارون: رود کارون به درازای بیش از ۹۰۰ کیلومتر از بزرگترین و درازترین رودهای ایران است که می‌رود تا خشک‌رود شود. رودی بزرگ، با سرچشمه‌هایی از بلندی‌های زردکوه، یعنی پس از دنا، دومین کوه ایران در استان چهارمحال و بختیاری، و لرستان جلگه خوزستان را زندگی می‌بخشید. این رود بزرگ، بسوی غرب از تنگه‌ها و دره‌های ژرف و پیچ و تاب‌ها می‌گذرد، چند شاخه می‌شود و رود کوه‌رنگ، رود بازفت و رود خراسان را با خود می‌آورد و شهر اهواز و روستاهای سوخته و همه‌ی کارگران و تهی‌دستان و حاشیه‌نشینان آن و شهرهای شوشتر، مسجدسلیمان، خرمشهر و ایذه را در کرانه دارد و هزاران سال آب آشامیدنی و کشاورزی باشندگان این بوم را برآورده ساخته است.

کارون بزرگ، با ورد به جلگه در کرانه خرمشهر، دو شاخه می‌شود و «رود کارون» و «بهم‌شیر» را می‌سازد. شاخه‌ی نخست (کارون) از آبادان می‌گذرد و به سوی اروندرود در مرز ایران و عراق روانه شده تا از راه اروند، به خلیج فارس بپیوندد. شاخه دوم، پرآب‌ترین دهانه‌ی

کارون بزرگ، (بهم‌شیر) می‌شود و به

ویرانگری‌های جنگ ۸ ساله از تیرماه ۱۳۶۰ تا کنون فرسود و مسموم و سرب‌زا گذارده شده‌اند. آبهای پایین دست، اشباع از پساب و هرزآب و بیماری‌زا و اشباع از نمک و مواد شیمیایی و گنداب‌های بیمارستان‌ها و کارخانه‌ها، مرگ آفرین شده‌اند. خیزش خوزستان، فریاد علیه بیدادگری طبقاتی، فریاد گرسنگی با فریاد علیه ستم‌های چندگانه‌ی ملی بر خلق عرب، در هم انباشته شده است.



این فریاد به حاشیه‌رانده‌شدگان است در خوزستان سوخته و می‌تواند فریادهای خراسان باشد و حاشیه‌نشینان سراسر ایران، فریاد کولبران کردستان و زنان به خیابان پرتاب شده باشد. فریاد کودکان کار و رنج بلوچستان و کازرون و بهبهان و شوش و همه‌جا، فریاد زمین است بر بردار زمان، فریاد گیاه و دشت و کشتزارهای سوخته، دره‌های ایران تا روزآوا در شمال سوریه که فاشیست‌های حاکم بر ترکیه، فرات را بر آن سرزمین مقاومت و خودگردان بسته‌اند. اکنون فریاد کودکان عرب و لر و بختیاری و دیگر به مرگ نشسته‌گان حکومت، از گلوی خوزستان تفته بر می‌خیزد با دست‌هایی آماده برای قهر بر آسمان. فریاد «انه عطشان» فریاد کارگران و تهی‌دستان عرب است، فریاد همه‌ی ستم‌دیده‌گان و ستم‌ستیزان مناسبات ضد

فریاد از زاگرس تا کارون، از سوسنگرد (خفاجیه) در دشت آزادگان که کرخه از آن می‌گذرد و خشک‌رود می‌شود. کوت عبدالله و ایذه و الیگودرز و ماهشهر و همه خوزستان و لرستان و بختیاری و مندایی‌ها و آوارگان جنگ و حکومت اسلامی در کرج و یزدان شهره اصفهان و سراسر ایران، فریادهایشان در خوزستان و لرستان بازتاب یافته است. شکوه این فریاد، زمانی معنا می‌یابد که دشمن سرکوبگر با نیروهای ویژه و آدمکشان گوناگون و سپاهیان مسلح به سنگین‌ترین سلاح‌ها که با کشتار جمعی و نسل‌کشی تداوم یافته را در برابر دارد. اراده‌ی مادی که به خیابان آمده، با همه‌ی وجود، سرنگونی حکومت را فریاد می‌زند.

پیکرهای به خون خفته‌گان این دشت که با لاله‌های واژگون «دشت لاله» سخن می‌گویند، فرزندان زمین‌اند که در جلگه‌خون بذر می‌شوند. فریاد کارون، فریاد تشنه‌گان در خوزستان است، فریاد گرسنه‌گان، فریاد باشندگان محروم از باشندگی، فریاد زیست و طبیعت است، یعنی انسان و جانداران از تک یاخته تا گیاه و حق خواهان محروم از حق زیست و زندگی.

فریاد جلگه و دشت آزادگان و دشت‌ها و تالاب‌ها، فریاد هستی ربوده شده‌گان، فریاد کارگران و تهی‌دستان و تمامی مردمان رنج و کار. فریاد زنان هستی بخش که خود از زیست و زندگی انسانی بی بهره گردیده با سنگینی ستم‌های چندگانه بر تن و جان با زنجیر قوانین استبدادی مناسبات کالایی و به فتوی‌دین و حکومت اسلامی، خوزستان و جلگه‌ها و رودهای پرخروش این بزرگترین و پرآب‌ترین سرزمین را به زمین سوخته تبدیل کرد. جلگه، کویرستان شده است.

جنگ ۸ ساله شانه‌های نیروی کار و تهی‌دستان این زیست بوم زیبا و زاینده را درهم شکست. زیر ساخت‌هایی برای غارت نفت و گاز و پتروشیمی و انرژی برای سود، اولویت یافتند، اما لوله کشی‌های آب آشامیدنی با

→ درازای نزدیک به ۹۰ کیلومتر، پهنای ۶۰۰ متر و عمق نزدیک به ۴ متر،

یکراست به خلیج فارس می‌ریزد.

رود کرخه (گاماسب، سیمره): یکی دیگر از رودهای بزرگ این دشت فریاد، کرخه است که از الوند کوه در همدان سرچشمه می‌گیرد، با پیوستن رودهایی از ملایر، تویسرکان و نهاوند از بستر سخت کوهستانی می‌گذرد و در روستای بیستون در کنار کوه بیستون می‌گذرد و به کرمانشاه می‌رسد در آنجا، «رود قره سو» و سپس رود «ماهیدشت» و «هلیلان رود» و «رود کرند» را نیز همراه ساخته تا به لرستان وارد شود. کرخه، در لرستان در دامنه‌ی «کبیرکوه» جاری می‌شود و از آنجا شاخه‌هایی از کشکان، زال و غزال رود را از بخش‌های چغلوئندی، هرو و خرم‌آباد را بستر می‌دهد تا در «پل تنگ»، با آبشاری به بلندی ۴۳ متر و پهنای ۳ متر جریان یابد تا از ایلام بگذرد. گاماسب (سیمره)، با همراه سازی شاخه‌هایی، بسوی جلگه خوزستان می‌شتابد تا در آبیاری کشتزارها به کار آید و از پل کرخه و شوش، با پیچ و خم‌های سخت می‌گذرد تا به جلگه‌های حمیدیه، و دشت آزادگان برسد. کرخه با شاخه‌ای به سوی دجله (خواهر فرات) می‌شتابد، اما، نارسیده به دجله در باتلاق‌های شرقی دجله فرو می‌رود. به این گونه رود گاماسب (جاماسب) از سرچشمه تا لرستان بنام «سیمره» و در همراهی با رود زال و سیمره، در خوزستان، رود کرخه می‌شود.

رود مارون: مارون از به هم پیوستن دو رود «زال» و «مارون» در «کلات شیخ» روانه می‌شود و از کوه‌های شرقی خوزستان سرچشمه می‌گیرد. این رود نیز دو شاخه می‌شود، «رود شادگان»، به کارون می‌پیوندد. شاخه‌ی دیگر به نام «رود جراحی» از خلیج «خور موسی» به خلیج فارس می‌ریزد.

رود دز: سرچشمه رود دز در بردارنده آب‌های معدنی، از زاگرس میانی و از کوه‌های قالیکوه (غالیکوه) بر فراز الیگودرز و اشترانکوه سرچشمه می‌گیرد و در رود کارون بستر می‌یابد. رود دز، از کرانه‌ی شهرستان دزفول می‌گذرد و در نزدیکی‌های شوشتر به شاخه «شطیط» وارد شده و از آنجا در نزدیکی «بندقی» به کارون می‌پیوندد. از دیگر رودهای جاری در جلگه‌ی خوزستان، «رود هندیجان»، «رودخانه دورچ»، رود شاورر هستند.

سدهای خوزستان

ضرورت وجود سد یا آب‌بندها، پیش بینی برای خشکسالی است که آب‌های پشت سد

خوزستان و کشتزارها و کشت‌ها و تالاب‌ها و آبیان و پرندگان و درخت و گیاه و نیز آثار باستانی بسیاری را ویران و نابود ساخت. کارون نابود شد.

سد کارون ۳: یکی از بزرگ‌ترین سدهای ایران است که بر روی رودخانه کارون در مرز استان خوزستان و چهارمحال و بختیاری، با حجم مخزن ۳ میلیارد متر مکعب، که ساخت آن در سال ۱۳۷۳ آغاز و در سال ۱۳۸۳ به پایان رسید.

سد کارون ۱: از جمله بزرگ‌ترین سدهای ایران در ۵۰ کیلومتری شرق مسجد سلیمان که بر روی رودخانه کارون ساخته شده است. ساخت سد دز، از سال ۱۳۳۸ آغاز و سال ۱۳۴۱ خورشیدی پایان می‌یابد. ششمین سد جهان در زمان ساخت شناخته می‌شد و اکنون در شمار پنجاهمین سد بلند جهان به شمار می‌آید که با گنجایش نهایی ۳.۳ میلیارد متر مکعب آب را در خود جای می‌دهد.

سد شاورر: بر روی «رودخانه شاورر» نزدیک روستای شاورر در ۵۶ کیلومتری اهواز ساخته شده و ساخت آن به سال ۱۳۱۶ خورشیدی بازمی‌گردد.

سد کارون ۴: در استان چهارمحال بختیاری در فاصله ۱۸۰ کیلومتر جنوب غرب شهرکرد، بالادست به هم پیوستن دو «رودخانه کارون» و «رود منج» ساخته شد. ساخت این سد، با حجم کل بتن مصرفی بیش از ۴۰ میلیون و دویست هزار متر مکعب است و در انحصار شرکت‌های وابسته به سپاه و صاحبان ماشین‌سازی اراک، با شرکت شرکت‌هایی از اتریش، کره جنوبی و ژاپن که در سال ۱۳۸۱ گشایش یافت.

سد کوثر: سد مخزنی جره (گره) در استان خوزستان و در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی رامهرمز و در ۱۹ کیلومتری «باغ ملک» ساخته شد. سد کوثر (تنگ دوک) در فاصله‌ی ۶۰ کیلومتری شمال غربی از شهر دوگنبدان، در شهرستان گچساران، استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد.

ساخت این سد به پیمانکاری شرکت «سابیر» در سال ۱۳۷۳ آغاز و در سال ۱۳۸۳ با حجم ۵۸۰ میلیون متر مکعب گشایش یافت. شرکت سابیر یکی از بزرگترین شرکت‌ها و هلدینگ‌های خاورمیانه در تصاحب سپاه و باندهای حکومتی است که در سال

۱۳۸۳، از فهرست شرکت‌های دولتی ←

پاسخگوی کم‌آبی برهه‌ای باشند. سد سازی در سراسر ایران در زمان شاه و حکومت اسلامی سودای سود داشت و نه کارشناسانه بود و نه پاسخگوی نیاز جامعه. این روند با دولت علی اکبر رفسنجانی شدت یافت بانک جهانی، جهانی پشتوانه شدت بخشی به سیاست‌های نئولیبرالیستی گردید و به ویژه با پایان یافتن جنگ هشت ساله، دهها منطقه‌ی آزاد اقتصادی و منطقه‌ی ویژه اقتصادی (Free Trade Zones and Special Free Zones) گسترش یافتند. این مناطق آزاد برای سرقت و جنایت، با مقررات زدایی و معاف از هرگونه رعایت قانون کار و نیز با ممنوعیت هرگونه تشکل یابی کارگری قارچ‌گونه سربرآوردند. عسلویه با پروژه‌ی پارس جنوبی چاه‌بهار، ماهشهر، دیگر شهرک‌های خوزستان با برپایی پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها و صنعت گاز و نفت و دیگر پروژه‌های سودآور و اقتصادی در شمار این در برابر این چهار رود بزرگ و شاخه‌های آن، نه برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، بلکه ویرانگرانه، برای سرقت و سود، ساخت ۵۸۸ سد گوناگون، بسته و یا برنامه ریزی شده‌اند، بسیاری برای سرقت و تصاحب و خلع مالکیت از توده‌های مردم و زیست بوم و طبیعت. مهم‌ترین آنها: سدهای دز، گتوند، کارون ۱، کارون ۳، کارون ۴، و سد مسجد سلیمان را می‌توان نام برد.

سد کرخه: در شمار بزرگترین سدهای خاکی جهان و بزرگ‌ترین سد خاکی در خاورمیانه است که بر روی رودخانه‌های «کشکان» و «سیمره» ی لرستان در شهراندیشک ساخته شده و با گنجایش ۳۶ برابر سد کرج در تهران از آن نام برده می‌شود.

سد گتوند: سد گتوند بالا (علیا)، یکی از بزرگ‌ترین سدهای ایران، بر روی رودخانه کارون است، با فاصله‌ی نزدیک به ۲۵ کیلومتری شوشتر که در سال ۱۳۷۶ آغاز و در سال ۱۳۹۲ به سودای سرقت و مافیای گشایش یافت. این سد، یکی از ویرانگرترین پروژه‌های تخریب‌گرانه‌ی حکومت اسلامی است. با برپایی این سد، گنبدها و رگه‌های نمکی در پیرامون و بستر آبیگری سد به زیر آب رفتند و در پایین دست به شوری آب انجامید. این مهندسی وارونه و دستبرد در زیست و بوم جامعه، صدها میلیون تن نمک و کانی‌های نمکی را به زیر آب فرورد و رودخانه کارون را شوراب کرد تا آب آشامیدنی نباشد و تالاب‌ها و روستاها را بخشکانند. با به زیر آب رفتن این کانی‌ها از سوی دیگر، گستره‌ی زیادی از زمین‌های جلگه

سرطان و بیکاری و آلودگی هوا و آب و زمین و به مهاجرت اجباری کشاندن تپه‌ی دستان روستا و آوارگی صدها هزار کارگر فصلی و ماهیگیران و پرندگان و ماهی و آبزیان و برهم زدن موازنه اکوسیستم منطقه، بوسیله جمهوری اسلامی شده است.

دریاچه‌های پشت سد هائی که بر رودخانه های کارون و کرخه و مارون و... بسته شده‌اند پر آب هستند و تونل‌ها و کانل‌های سارقین و مافیای آب، همچنان به سوی هرجا که باندهای حاکم بخواهند از جمله مناطق مرکزی جریان دارند.

اصغر سلیمی، نماینده رژیم در مجلس اسلامی از سمیرم در اختلاف با باند سپاه از این طرح سخن گفت و آنرا «باعث بحران محیط زیستی در کشور، بیکاری، مهاجرت و صدمه به استان‌های ذینفع و تبعات اجتماعی» خواند و ادامه داد که: «این طرح با ۶۷۵ کیلومتر خط انتقال و ۶۷ کیلومتر مسیر تونل از زیر شهرستان سمیرم که چند سالی است با خشکسالی‌ها دست و پنجه نرم می‌کند و آبی برای چشمه‌های آن باقی نمانده، عبور می‌کند... تفکرات کشاورزی در تصمیمات محیط زیستی جایی ندارد و فاجعه‌آمیز است و حتی اگر دید کشاورزی هم وجود داشته باشد، نباید بین سبب سمیرم و پسته رفسنجان تفاوت قائل شوند.

بحران بی‌آبی و خشکسالی چندسالی است که شهرستان سمیرم را تهدید و باعث خشکیدن درختان سیب آنکه چهره بین‌المللی دارند شده است. این پروژه باعث مهاجرت مردم ساکن شهرستان سمیرم در ازای شاداب‌تر شدن درختان پسته تا ۷۰۰ کیلومتر آن طرف تر می‌شود.»

استاندارها و دادستان‌ها و کارگزاران اجرایی و امنیتی و قضایی حکومتی در منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری و خوزستان که خود از سپاهیان و امنیتی‌ها هستند و شرکت‌های سران سپاه با رانت پردازی به عناصر دولتی و سهم باند خامنه‌ای به انتقال آب و تخریب‌گری دست در دست هم، ماموریت داشتند.

بنا به گزارش‌هایی، از حجم ۲۱ میلیارد مترمکعبی این سدها در خوزستان، تنها ۸۰۰ میلیون متر مکعب به آب آشامیدنی و ۲ میلیارد متر مکعب برای کشاورزی در نظر گرفته شده. مافیای آب، آب آشامیدنی و کشاورزی جلگه خوزستان را با حفر تونل‌ها و آبراه‌ها از جمله تونل‌های یک و دو و سه کوه‌رنگ و دیگر تونل‌ها و کانال‌ها، افزون بر ۷ میلیارد متر مکعب

۱۳۹۳ با نامه وزارت نیرو بار دیگر اجازه‌ی سرقت و نابودی یافت. با این فرمان، سمیرم و روستاهای دور و نزدیک از استان اصفهان تا خوزستان، نابودی آفریده شد، تا باغهای پسته رفسنجان و کشتزارهای باندها سودآور بمانند.

ساخت نخستین تونل کوه‌رنگ

انتقال رود کوه‌رنگ به رودخانه زاینده رود در شهرستان کوه‌رنگ و استان چهارمحال و بختیاری، در سال ۱۳۳۲ به انجام رسید. این در سال ۱۳۶۴ با تونل دوم ویرانی آفرید. از سال ۱۳۶۶ خورشیدی با پایان یافتن ساختمان سد و تونل ماربران و انتقال ۱۱۵ میلیون متر مکعب آب چشمه‌های ماربران و کلنچین به پشت این



نمایی از وضعیت شوری آب در پشت سد گتوند در خوزستان

سد، سد و تونل دوم کوه‌رنگ سالانه به‌طور میانگین حدود ۲۵۵ میلیون متر مکعب آب را به مخزن سد زاینده رود انتقال می‌دهند.

تونل کوه‌رنگ ۳ در سال ۱۳۷۰ به شرکت‌های باندهی سپاه و شرکا و دلانان وابسته به حکومت از جمله، شرکت ساختمانی تابلیه و شرکت زاینده‌آب سپرده شد. و با دلالی‌های کلان، سپس به شرکت مهندسی مشاور مه‌آب قدس که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های مافیایی مهندسی مشاور صنعت آب در ایران به‌شمار می‌آید و در دست باند سپاه و باند رهبری است و در ساخت نیروگاه‌های اتمی دست دارد و شرکت شرکت زاینده‌آب واگذار گردید. سرانجام ۲۵۵ میلیون متر مکعب در سال به منطقه مرکزی ایران منتقل شد.

به اینگونه با این طرح‌ها و طرح تکمیلی «بهشت آباد» ضد انسانی، قطع آب آشامیدنی و خشکاندن رودخانه‌ها و تالاب تشنگی میلیون‌ها انسان، مرگ هزاران دام و گاو و گاو میش، خشکاندن میلیون‌ها نخل، نابودی صدها هزار هکتار زمین کشاورزی و نابودی جلگه خوزستان و تولید ریزگردها بارش مرگ از بیماری‌های ریوی و

خارج و سهام آن به شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی (شستا) و «سهام عدالت» (بازار بورس در دست سپاه و مافیای حکومتی) واگذار شد.

شرکت سایبر، در دست مافیای سپاه و شرکا، در ساختن سازه‌های عظیم سد سازی و نیروگاه، مترو، راه سازی، عملیات ژئوتکنیک برای کشف و انتقال نفت و گاز و پتروشیمی و آب و فاضلاب به ربایش سودهای مافوق می‌پردازد.

مافیای آب و نان

برای فریب، وعده داده شد که آب آشامیدنی دو میلیون و ۵۰۰ هزار تن از باشندگان استان‌های فارس، هرمزگان، بوشهر، خوزستان و شهرستان گچساران را برآورده سازد.

سد مارون، از جمله سدهای خاکی شمرده شده و بر روی «رود مارون» در ۱۵ کیلومتری شمال بهبهان با وعده‌ی دروغین «برآوری آب مورد نیاز کشاورزی و نیروی برق آبی» ساخته شد. ساخت این سد در سال ۱۳۶۸ آغاز و در سال ۱۳۷۷ پایان یافت.

با انتقال آب از این رودها و سدها، به وسیله مافیای آب، تاکنون بیش از ۱۰ پروژه‌ی انتقال از سرشاخه‌های

کارون بزرگ و دز به فلات مرکزی (یزد، کرمان، اصفهان و خمین) اجرا شده است. تخریب‌گری این طرح‌ها به گونه‌ای است که در رقابت جناح باندها از سوی برخی از عناصر ارگانهای دولتی در شمار «سازمان حفاظت محیط زیست»، «سازمان بازرسی کل کشور» و «مرکز پژوهش‌های مجلس» مورد مخالفت قرار گرفته‌اند. برای نمونه هفتمین طرح انتقال آب کوه‌رنگ ۳، برای انتقال ۲۵۰ میلیون مترمکعب از سرشاخه‌های کارون به زاینده رود است که پیش از تکمیل به بهره‌برداری از آن پرداختند! در پی مخالفت‌های توده‌های مردم، مجوز این طرح در سال ۹۳ به صورت فرمال، باطل اعلام شد، اما هیچگاه قطعیت نیافت. در سال ۱۳۹۶ با اهرم سپاه، منع توقیف عملیات اجرایی سد کوه‌رنگ از سوی باند قوه قضاییه زیر فرمان سید علی خامنه‌ای، اعلام و مجوز سرقت به باند سپاه تمدید شد.

به همین گونه، پروژه انتقال آب سرشاخه‌های کارون به دشت رفسنجان (ونک- سولگان) که از سال ۱۳۸۱ پنهانی جاری بود، به دستور حسن روحانی (رئیس جمهور باندها) در سال

خاص خود را دارد و باید ویژگی های طبیعت را بپذیریم؛ اگر کسی نپذیرد باید جای خود را عوض کند نه اینکه طبیعت را جابه جا و دستکاری کنیم، این با عقل سازگاری ندارد، ولی متأسفانه این اتفاقات افتاده است.»

با نگاه کارشناسان هیدرولوژی، بارش های کوهستانی به صورت ۲ دسته «آب سبز» و «آب آبی» برآورده می شود. نزدیک به ۷۰ درصد از بارش های کوهستان به صورت «آب سبز» به طور طبیعی در خاک فرو رفته و سفره های آب زیرزمینی را می آفریند و جنگل و کشتزارها و گیاهان و چراگاه ها را جان می بخشد. آب سبز، زمین را سیراب و برای دامپروری چراگاه طبیعی می آفریند. همین «آب سبز» در بالادست ها است که ربوده و در پایین دست ها، خشکی و کویر و ریزگردها به بار می آید.

بارش ها به صورت «آب آبی» جاری می شوند و رودخانه ها و نهرها و چشمه ها را می سازند. «آب آبی» که سهم پایین دست و جلگه و دشت باید باشد و کم بارشی ویژگی آن است که به وسیله تونل ها و چاه ها و سدها سرقت می شوند و به مرگ چراگاه ها و جنگل ها و فرسایش خاک انجامیده. بنا به گزارش همین کارشناس آب، ۹۰ درصد آب در یک بخش یعنی کشاورزی و به سود مافیای آب و آب آشامیدنی ۷ درصد و صنعت ۳ درصد مصرف می شود.

باند مافیایی آب، برای انتقال آب از سرشاخه ها، در بودجه سالانه، بودجه های کلان تصویب می کند. بودجه ها از سویی به شرکت های انتقال آب که از دلان و مافیا و مشاورین در سپاه و باندهای حکومتی هستند تعلق می گیرد و از سوی دیگر آب را به مافیایی که مالکیت زمین ها و کشاورزی و باغ ها و کشتزارهای پرسود را به پشتوانه سلاح و قدرت حکومتی در دست دارند، می رسانند. این شبکه ی مافیایی حاکم، برای ساخت این سدها و تونل ها و جاده ها و راه ها با پرداخت رانت مشاوره ای و کنتراتی به انحصار درآورده است. سپاه و مافیای حکومتی از نخستین باندهای شریک حکومتی بوده و با این تخریب و نابودی و استثمار نیروی کار و طبیعت، به سودهای میلیاردی دست یافته و هستی جامعه را در شراکت با بیت رهبری به یغما می برند.

استبداد ویژه آسیایی

بنا به ارزیابی مارکس و انگلس، استبداد یا خودکامگی، قدرت حاکمه مطلق است که نیروی سرکوب (قوه قهریه) را به فرمان دارد. نبود قانون، اعمال اراده ی مطلق از سوی رهبر و سلطان و یا اوباشان

دشت آزادگان بین ایران و عراق، در پی مقاومت ۸ ساله در برابر جنگ افزوزان حاکم بر ایران و عراق، با هجوم سپاهیان اسلام و آلوده سازی های مرگ آور روبرو شد. هورالعظیم، هستی بخش و زندگی آفرین، در این مقاومت، همانند تالاب شادگان، در هم شکست و مرداب شد.

به بیانی، کارون نیست، بلکه خشکسالی آخرین عامل آن است. مافیا به شدت تمام و با فراغ بال، با ایجاد تونل و آبراه ها و کانال ها و نصب موتورپمپ ها و مصارف کشاورزی و دامپروری و آبی پروری، افزون بر دو میلیارد متر مکعب آب از کارون ربوده و خشکسالی آفریده است. کاهش شدید آب رودخانه کارون به دست مافیای حاکم و به این گونه خشکی و تشنگی آفرید و مرگزا شد. کارون، در پاییز سال ۱۳۹۲ به ویژه به گونه ای که در اهواز، عمق آب به یک متر رسید و موازنه زیست-بومی و اکوسیستم به هم خورد و نابودی آفرید.

در بالادست ها در سرشاخه ها و آبراه ها، به دست مافیا و وابسته گان به باندهای سپاه و دولت و باند خامنه ای، حوضچه های پرورش ماهی و میگو برپا شده که آلودگی و عفونت زایی آب و بیماری های درمان ناپذیر می شوند. با ریزش پساب ها و مواد شیمیایی کارخانه ها و شهرها و روستاها و بیمارستان ها به آب پایین دست سدها با اشباع نمک ها و در حالیکه مصرف در پایین دست ثابت می ماند و برداشت آب در بالادست، به وسیله مافیای حاکم، تشنگی و فریاد و خشکسالی و ریزگرد و مرگ می آفریند.

سدسازی بی رویه در بالادست

علی محمد آخوندعلی، استاد دانشکده مهندسی یکی از کارشناسان عضو گروه هیدرولوژی و منابع آب دانشکده مهندسی علوم آب دانشگاه چمران اهواز (جندی شاپور) آشکار ساخت که «روی حوضه کرخه، کارون، مارون و جراحی در مجموع ۱۷۰ سد احداث شده، که ۷۰ سد آن در کارون است؛ در بالادست کرخه در کرمانشاه ۱۵ سد و در ایلام بیش از ۱۰ سد ساخته شده که همه اینها نباید ایجاد می شد و اگر هم ساخته می شد تنها باید برای تولید انرژی از آن استفاده می کردند و نباید آب نگهداشته می شد.» وی در مخالفت با اجرای طرح های انتقال آب از سرشاخه های کارون به فلات مرکزی، افزود: «توزیع عادلانه آب به این معنی نیست که فکر کنیم کسی که در کویر لوت زندگی می کند در آب رودخانه دز شریک است، اگر چه وظیفه داریم در تامین آب شرب به آنها کمک کنیم، اما باید بپذیریم که طبیعت هر منطقه اکولوژی

آب را به فلات مرکزی (اصفهان، یزد و کرمان) به سرقت می برد. «تونل بهشت آباد» نیز برای انتقال یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب از کارون به استان های اصفهان، کرمان و یزد برنامه ریزی شد تا خشکی بیافریند و کوچ اجباری و خلع مالکیت از تهی دستانی که یک گاومیش داشتند و چند نخل و درختانی و کمی کشت برای زیستن در مرگ تدریج بیافریند.

از نیمه دوم سال ۱۳۶۵ سپاه و رفسنجانی برای تصاحب آب زلال سرچشمه های کارون در بالا دست با کشیدن رودها و تونل های انحرافی همراه شدند. برای سرقت هستی، سرچشمه ها، سدها و رودهای بزرگ، شاهرگ حیاتی و هستی بخش زمین و جلگه و جان مردمان کار و زحمت را به هلدینگ های کهکشانی خود پمپاژ کردند.

گزارش می شود که کارون با نزدیک به ۹۰۰ کیلومتر درازا، میانگینی نزدیک به ۱۹ میلیارد متر مکعب داشته که افزون بر ۴ میلیارد به وسیله مافیا جاری و به سوی دهها سد و تونل به سوی املاک مافیایی از سویی برای سرمایه داران و دلان حاکم، سود مافوق می آورد و به سرقت می رود و در سوی دیگر در پایین دست، ویرانی و مرگ و آوارگی می آفریند. یکی از پروژه های ضد انسانی، طرح رودخانه بهشت آباد است با سه تونل ۱۷۰ میلیون متر مکعبی و سد و «چشمه لنگان» که به سوی کرمان و قم و زاینده رود و سلفچگان و خمین و یزد و... نه برای برآوردن نیاز آب آشامیدنی، بلکه برای مجتمع فولاد یزد و دیگر املاک سران حکومتی و شرکا و دلان حاکم، برنامه ریزی شدند.

وزرات نفت و پاسداران مالک قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء، بزرگترین مجرمین این جنایت و نسل کشی به شمار می آیند. این راهزنان هستی، نه تنها حق آبه ی «هورالعظیم» را قطع کرده و «تالاب شادگان» در ماهشهر را خشکانده تاراه انتقال و نفت و غارت را هموار سازند، بلکه خود از عاملین اصلی این جنایت علیه بشریت و نسل کشی به شمار می آیند. سدسازی و خشکاندن نیاز آبی این تالاب، واریز کردن پساب های آلوده از مواد شیمیایی و بیماری زای مزارع نیشکر، پرورش ماهی و فولاد خوزستان، عبور لوله های نفتی، پساب ها و مواد بیش از ۳۰ پروژه ی پتروشیمی و تخلیه زباله های شهری و بیمارستانی، پنجمین تالاب جهانی را به خشکاب و مرداب تبدیل کردند. تالاب شادگان از سال ۱۳۷۲ وارد فهرست قرمز تالاب شد.

تالاب هورالعظیم در غرب استان خوزستان در انتهای رود کرخه کنار «هویزه» و «چزابه» و شهر «رفیع» و دهها روستا در منطقه مرزی شهر

→ (اکلوکراسی) ویژگی استبداد شرقی و حاکمیت کنونی اسلام سیاسی در ایران است. ساختار استبداد شرقی، جامعه اربابان و بندگان، جامعه شبان رهمگی، امیر یا خلیفه یا رهبر و امت است. این گونه استبداد سیاسی - طبقاتی استبداد شرقی به شیوه تولید آسیایی باز می‌گردد که پیش از مالکیت زمین، مالکیت به آب ویژگی آن است. این شیوه تولید و مالکیت حکومت بر آب در حکومت اسلامی ایران به مالکیت آب و لغو مالکیت از حکومت شوندگان، به سود استبداد حاکم باز می‌گردد. حکومت مالکیت بر همه‌ی آبها را در دست دارد و مالکیت بر زمین و طبیعت و کانی‌ها را در ازای گرفتن سهم رهبران به سران سپاه و شرکا و خانواده‌های حکومتگران می‌سپارد. وحدت ایدئولوژی اسلامی با مالکیت انحصاری که در وحدت استبداد مذهبی و سیاسی و طبقاتی معنا می‌یابد، ویژگی این استبداد دوگانه اقتدار سیاسی و طبقاتی است.

قانون حکومت اسلامی در مالکیت آب

قانون زیر، بیانگر اهمیت و نقش اولویت مالکیت آب به وسیله حکومت است: بخش اول - مالکیت عمومی و ملی آب ماده ۱ - کلیه آبهای جاری در رودخانه‌ها و انهار طبیعی و دره‌ها و جویبارها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و همچنین سیلابها و فاضل‌آبها و زه‌آبها و دریاچه‌ها و مردابها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آبهای معدنی و منابع آبهای زیرزمینی ثروت ملی محسوب و متعلق به عموم است و مسئولیت حفظ و بهره‌برداری این ثروت ملی و احداث و اداره تأسیسات توسعه منابع آب به وزارت آب و برق محول می‌شود.

ماده ۲ - بستر انهار طبیعی و رودخانه‌ها اعم از این که آب دائم یا فصلی داشته باشند متعلق به دولت است و پهنای آن تا حدی است که مسیر رودخانه یا نهر را در حداکثر طغیان معمولی نشان دهد و همچنین است ساحل دریاها و دریاچه‌ها طبق قانون اراضی ساحلی مصوب ۱۳۴۵.۵.۲۵ ایجاد هر

نوع اعیانی در بستر انهار و رودخانه‌ها و در سواحل دریا و دریاچه‌ها اعم از طبیعی و یا مخزنی با توجه به حریم قانونی ممنوع است مگر با اجازه وزارت آب و برق. ۲۷/۰۴/۱۳۴۷

به اعتراف نماینده حکومتی در مجلس اسلامی، مجتبی یوسفی از اهواز در مجلس اسلامی: «خوزستان به اندازه تمدن بشریت جلگه بوده؛ جلگه بین النهرین و هور، که از ایران تا عراق و بخشی از سوریه ادامه داشته است. این سوء مدیریت در حوزه منابع آب است و مردم این را می‌بینند. در سال ۹۸ شاهد سیل خود ساخته وزارت نیرو بود، چرا که به گفته او می‌خواستند بگویند خوزستان منابع آب مازاد دارد و آن را انتقال بدهند.»

با بازتاب فریاد جنبش اجتماعی با فریاد آب در خوزستان و جنبش روبه اعتلا و سراسری کارگران نماینده سرکوبگر حکومتی با اعتراف می‌کند و از «ضرورت رهاسازی آب در خوزستان و جبران غرامت و خسارت به مردم با اشک تمساح می‌افزاید» گریه‌آور است که با وجود ۵ سد بزرگ، ۷۰۰ روستا و ۲۵ شهر استان تنش آبی داشته باشند.»

حکومت اسلامی به انحرافگری با تمامی تلاش می‌کوشد تا این جنبش اجتماعی و طبقاتی را موازی با سرکوب و کشتار درهم شکند. از



با گسترش خیزش به الیگودرز و مسجد سلیمان و بخش‌های بختیاری نشین و لرستان و... تلاش‌های رژیم، کم‌دامنه تر شد. آشکار است که خیزش سراسری تشنگی و آب در خوزستان، بر خلاف تبلیغات و نفرت‌پراکنی حکومت اسلامی، به معنای اعتراض به انتقال آب آشامیدنی برای دیگر بخش‌های ایران نیست، اعتراض به نقش ویرانگرانه‌ی مافیای آب و حکومت باندها در سرقت آب آشامیدنی و کشاورزی، خشکاندن تالاب‌ها و رودها و بندها به سود پروژه‌های باندهای حاکم است. باند سران سپاه و دیگر همراهان به صورت بخشی از طبقه حاکمه، در حاکمیت سیاسی متمرکز شده و نفت و گاز و پتروشیمی را در خوزستان به مالکیت در آورده‌اند. در سوی دیگر بردگان کار، کوچ اجباری تهی‌دستان روستا به پیرامون شهرها به گردباد آتش بیز نابودی روانه ساخته‌اند.

فریاد در خوزستان، فریاد ستمبرانی است که نمی‌خواهند به شیوه پیشین و تا کنونی تن سپارند. فریاد علیه ستم‌های چندگانه ملی و طبقاتی است، فریاد و خیزشی است نه اعتراض برای انتقال آب برای استفاده در فلات مرکزی، آنگونه که تلاش می‌شود آنرا وانمود می‌سازند. رای نه به حاکمیت در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، و اعلام اعتصاب نفتگران در ۲۹ خرداد و خیزش خوزستان و لرستان و ادامه اعتصاب های کارگری در هفت

تپه و دیگر اعتراض‌ها و همایش‌ها شبانه روزی مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای در سراسر ایران، تداوم خیزش دی ماه ۹۶ و بهمن ماه ۹۸ تداوم انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷ است که شرایط انقلابی در ایران را در پیش روی دارد. این روند،

رخدادی تاریخی در منطقه خاور میانه به شمار می‌آید. باید که جنبش کارگری - سوسیالیستی برای پیوند و دخالنگری و رهبری و سرنگونی انقلابی رژیم، این لحظات تاریخی را دریابد. خوناب در خوزستان، با فریاد آب، رودی است خروشان و خونین، از بهمن تا تیر که با مهر و نشان مبارزه طبقاتی بر سپهر تاریخ نگاشته می‌شود.

۱ مرداد ماه ۱۴۰۰

سوئی با نفرت پراکنی، ۱ - خیزش در خوزستان را مخالفت با انتقال آب آشامیدنی به دیگر شهرهای مرکزی وانمود سازد،

۲ - اعتراض‌ها را به نبود آب آشامیدنی محدود کند،

۳ - اعتراض‌ها و فریادها را «تجزیه طلبانه» و تحریک‌های ناسیونالیستی جلوه دهد/

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در رابطه با اعتراضات مردم در شهرهای خوزستان: جمهوری اسلامی عامل اصلی بحران کم آبی است!



بحرانی می باشد.

جمهوری اسلامی که با بحرانهای همه جانبه دست به گریبان است توانایی حل مشکلات زندگی مردم و معضلات اجتماعی را ندارد. لذا تنها پاسخ این حکومت ضد انسانی که همیشه امنیت خود را در خطر می بیند، بکارگیری گسترده تر نیروهای سرکوبگر در یورش و تعرض به مردم معترض و کشتار و دستگیری و زندان و متهم کردن آنها به اغتشاشگر، دشمن و عامل بیگانه است. در چنین شرایطی تنها راه نجات توده های مردم به جان آمده از حاکمیت جنایتکار جمهوری اسلامی، سراسری کردن اعتراضات، حمایت و پشتیبانی از اعتصابات سازمان یافته و سراسری عظیم کارگران نفت و پتروشیمی، اعتصاب کارگران هفت تپه و دیگر مراکز کارگری و همراهی و همگامی هر چه بیشتر با اعتراضات دیگر اقصای زحمتکش و ستمدیده مردم ایران جهت تحقق خواست و مطالبات برحق شان است.

کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در جریان اعتصاب و تجمع اعتراضی خود که روز یکشنبه ۲۷ تیرماه برای ششمین روز متوالی در محوطه این شرکت برگزار شد، از اعتراضات مردم خوزستان حمایت کردند.

حزب کمونیست ایران ضمن حمایت و پشتیبانی از خواست و مطالبات و اعتراضات مردم ستمدیده خوزستان، یورش سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به آنان را محکوم می نماید. خود را در غم و اندوه خانواده هایی که عزیزانشان را در اعتراضات اخیر از دست دادند شریک می داند و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان است.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری**

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
۲۷ تیرماه ۱۴۰۰
۱۸ ژوئیه ۲۰۲۱



اعتراضات توده های مردم تشنه و بی آب خوزستان که از شامگاه پنج شنبه ۲۴ تیرماه آغاز شده، به بیش از ۱۷ شهر این استان گسترش یافته است. مردم معترض در مقابل حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم با پرتاب سنگ و بستن بعضی جاده ها از خود به دفاع برخاستند. متأسفانه تاکنون در جریان این اعتراضات حداقل چهار تن از جوانان معترض به بی آبی به نامهای، مصطفی نعیمای، قاسم خضری ناصری، علی مزرعه و حسین آل ناصر با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی جانشان را از دست داده اند. مقامات جنایتکار رژیم تا امروز غیر از اعزام بیشتر نیروهای امنیتی و نظامی برای سرکوب مردم معترض اقدامی انجام نداده اند.

این اعتراضات در شرایطی ادامه دارد که بر اثر بحران کم آبی و خشک شدن تالابها و رودخانه های این استان، خسارت و تلفات زیادی به مردم و دامها و احشام آنان وارد شده است. اکنون مردم حتی برای تأمین آب آشامیدنی در مضیقه هستند. البته کارشناسان و فعالان محیط زیست از مدتها قبل نسبت به خطر خشک سالی به رژیم هشدار داده و اعلام کرده بودند که ایران به "سندروم ورشکستگی آبی" دچار شده است. اما رژیم ورشکسته و فاسد جمهوری اسلامی نسبت به چاره جویی و جلوگیری از تشدید معضل کم آبی که نه تنها خوزستان بلکه برخی دیگر از استانها از جمله کرمان و اصفهان را نیز فرا گرفته، واکنشی نشان ندادند. سیاست های ضد زیست محیطی، فساد و سوء استفاده مالی مقامات و کاربردستان رژیم از عوامل اصلی تشدید بحران کم آبی در ایران است. عیسی کلانتری معاون روحانی که خود رئیس باصطلاح "سازمان حفاظت محیط زیست" رژیم نیز هست، اعتراف نمود که "بر اثر غارت منابع آبی و مدیریت اسفناک، بیلان منفی برداشت آب از ابتدای دهه ۶۰ تا کنون ۱۰۰ برابر شده است. زیرا سالانه ۲۰ میلیارد متر مکعب از این منابع آب اضافه برداشت می شود.

کم آبی در خوزستان درحالی است که استان خوزستان با داشتن سه رودخانه بزرگ و تالابهای زیاد همیشه یکی از مناطق پر آب ایران بوده است. اما مقامات جمهوری اسلامی در سالهای گذشته با اقدامات غیر مسئولانه و سودجویانه با سد سازیهای بی رویه، انحراف غیر کارشناسانه آبهای سطحی و حفر چاههای عمیق متعدد، سیستم اکولوژی منطقه را بهم زده و موجب تخریب محیط زیست شده اند. علاوه بر آن تجهیزات و شبکه آبرسانی استان کاملاً فرسوده و قدیمی است و رژیم با عدم اختصاص بودجه لازم برای نوسازی و بازسازی آن مسبب بروز چنین

کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های

**حزب کمونیست ایران و
کومه له دیدن کنید!**

خیزش خوزستان، خیزش های عظیم تری را نوید می دهد!



خیزش تشنگان بخون کشیده شد!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در میان خیل وسیع نیروهای امنیتی و سرکوبگر رژیم که از نقاط مختلف ایران به خوزستان گسیل شده اند، شب سه شنبه برای ششمین شب پی در پی مردم در شهرهای مختلف خوزستان به خیابان آمدند و علیه سران حکومت اسلامی شعار سر دادند. در این شب شهر ایزه در شرق خوزستان مرکز رودروئی نیروهای سرکوبگر با توده های عاصی و خشمگینی بود که بحران کمبود آب علاوه بر بیکاری و فقر و فلاکت اقتصادی زندگی را برای آنها غیر قابل تحمل کرده است. ویدیوهای پخش شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که نیروهای امنیتی با تیراندازی و پرتاب گاز اشک به مقابله با معترضان پرداخته و تعدادی از معترضان را دستگیر کرده اند. برخی از کاربران این شبکه ها خبر می دهند که با جانباختن یک جوان شانزده ساله به نام محمد عبدالهی شمار جانباختگان این خیزش توده ای به پنج نفر رسیده است. در حالی که اعتراضات حق طلبانه مردم خوزستان از حمایت و همدلی مردم در نقاط مختلف ایران برخوردار است، کارگزاران رژیم جمهوری با سراسیمگی نیروهای امنیتی بیشتری به منطقه اعزام کرده اند. اعتراض به بی آبی که بیش از بیست شهر این استان گسترش یافته همه جا با فریاد رسای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی همراه شده است.

اگرچه اینبار تشدید بحران کم آبی در تابستان داغ بود که باروت خشم مردم را جرقه زد و خیزش توده ای خوزستان را برپا کرد، اما معضل مردم خوزستان فقط چند روز بی آبی نیست که سپاه پاسداران با فرمان اعزام تانکهای آب و وعده حل آن را بدهد. مردم خوزستان با کلیت رژیم جمهوری اسلامی، با نگاه امنیتی آن و با آن سیاست های کلان و استراتژیک در زمینه اقتصادی و زیست محیطی مشکل دارند که این منطقه را به نابودی کشانده است. بحران کمبود آب در این منطقه یکشنبه بوجود نیامده است که با اعزام تانکهای آب توسط سپاه پاسداران برطرف گردد. خوزستان در حالی با بحران فاجعه بار کم آبی روبرو شده است که این استان با داشتن سه رودخانه بزرگ و تالابهای زیاد همیشه یکی از مناطق پر آب ایران بوده است. بنابراین با مد نظر قرار دادن پیامدهای پدیده خشک سالی، در حقیقت این سیاست های ضد زیست محیطی و سود پرستانه جمهوری اسلامی از جمله، سد سازیهای بی رویه، انحراف غیر کارشناسانه آبهای سطحی و حفر چاههای عمیق متعدد بوده که سیستم اکولوژی منطقه را بهم زده و بحران کم آبی را به مرز فاجعه باری رسانده است.

اما این تنها محیط زیست نیست که در خوزستان قربانی تعرض سود پرستانه جمهوری اسلامی قرار گرفته است. طی سه دهه گذشته کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی که عمدتاً در این مناطق کار و زندگی می کنند در خط مقدم تعرض رژیم جمهوری اسلامی برای ارزان سازی نیروی کار قرار گرفته اند. طی این سال ها یکی از مهمترین سیاست های رژیم جمهوری اسلامی برای گسترش انباشت سرمایه در ایران در دوره بعد از جنگ ایران و عراق موقتی سازی، زدن از مزایای کارگران و

از شامگاه پنج شنبه ۲۴ تیر، خیزش مردم و جوانان خوزستان در اعتراض به مشکل بی آبی و قطع برق شهرهای اهواز، آبادان، سوسنگرد، حمیدیه، شادگان، ملاتانی، قلعه چنان، ماهشهر، خرمشهر، بستان، کوت عبدالله و برخی دیگر از شهرها را فرا گرفته است. توده های به ستوه آمده دست به تظاهرات خیابانی زده و در بسیاری از مناطق و خیابانها با آتش زدن لاستیک، اقدام به راهبندان و مسدود ساختن جادهها کرده اند.

پاسخ نیروهای سرکوب رژیم به مردمی که از کمبود آب شدیداً رنج می برند و دامها و کشت و زرع آنان نابود می شود با گلوله بوده است و به جای آب، اعتراضات آنها را به خون کشیده است. مقامات دولتی چه در سطح استان چه فراتر از آن، نه فقط هیچ گونه اقدامی برای رفع این کمبودها و نارساییها انجام نداده اند، بلکه نیروهای مزدور گارد ویژه را برای سرکوب اعتراض کنندگان وارد عمل ساخته اند و پاسخ مردمی را با گاز اشک آور و شلیک گلوله هوایی و سرانجام شلیک به روی اعتراض کنندگان داده اند. بر اساس آخرین گزارشها تاکنون چهار جوان معترض به نام های "قاسم حمید بازم الناصری" در کوی کانتکس اهواز، "علی مزرعه" در منطقه کوی زویه، "مصطفی نعیمای" اهل شادگان و "حسین آل ناصر" از اهالی سوسنگرد با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی کشته شده اند.

رژیم جمهوری اسلامی که در بحرانی همه جانبه بسر می برد در وحشت از گسترش اعتراضات خیابانی و تظاهرات توده ای، حتی اعتراض مسالمت آمیز توده های مردم تشنه و متقاضی آب را نیز با گلوله پاسخ می دهد. کارگران و توده های مردم زحمتکش ایران با گسترش اعتصابات و اعتراضات خیابانی و تظاهرات توده ای باید عرصه را بر این رژیم جنایتکار تنگتر کنند و به حاکمیت ننگین و جنایتکارانه آن پایان دهند و به سوی گزینه شورایی کارگری خود گام بردارند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست تعرض وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم را به مردم حق طلب خوزستان به شدت محکوم می کند و پشتیبانی بی دریغ خود را از مطالبات برحق این اعتصابات و خیزش های مردمی اعلام میدارد و از همه انسان های کمونیست و آزادیخواه و فعالین جنبش کارگری دعوت می کند که صدای حق طلبانه کارگران اعتصابی در صنعت نفت و پتروشیمی و هفت تپه و توده های مردم بپاخاسته خوزستان را رساتر سازند.

زنده باد مبارزات حق طلبانه کارگران و مردم بپاخاسته

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

۲۷ تیرماه ۱۴۰۰ برابر با ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

خیزش خوزستان کل حکومت اسلامی را هدف گرفته است!

این سخنان به آن اشاره نمود، این بود که "به معاون اول رئیس جمهور دستور داده‌ام که فردا خودش به خوزستان سفر کند و از نزدیک بار دیگر خوزستان را ببیند و اگر مشکلی هست، همانجا تصمیم گیری کند و اگر لازم شد با من در تماس باشد." با این حال روحانی نگران از سرنوشت جمهوری اسلامی در شرایط گسترش اعتراضات، مردم را از اعتراض علیه رژیم برحذر می‌دارد و آنان را برای حل مشکلاتشان به راههای قانونی حواله داد تا به قول او دشمنان نظام خوشحال نشوند.

البته مردم خوزستان نیز همانند تمام مردم ایران می‌دانند که "رئیس جمهور" در موقعیتی نیست که بتواند مشکلات بی‌آبی و مطالبات انباشته شده و اساسی آنان را برطرف نماید. مشکلات معیشتی و خدماتی مردم خوزستان تنها مربوط به امسال و خشک سالی نیست تا در عرض دو هفته مانده به عمر دولتش با سفر معاون او برطرف گردند. اگر روحانی و دولتش می‌توانستند یا می‌خواستند چنین اقدامی بعمل آورند می‌بایست در طول هشت سال صدارتش این کار را انجام می‌دادند. به همین دلیل در تظاهراتهای این دوره، مردم خوزستان روحانی را شایسته هزینه کردن یک "شعار مرگ بر روحانی" نیز ندانسته و در همه جا با شعارهای "مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر جمهوری اسلامی" رأس قدرت و کلیت حاکمیت ضد انسانی جمهوری اسلامی را هدف گرفته‌اند.

آنچه امروز موجب نگرانی روحانی و بقیه سران و کارگزاران رژیم شده تداوم و گسترش این اعتراضات است. اعتراضات مردم خوزستان که ادامه منطقی و در راستای خیزشهای ۹۶ و ۹۸ است، کل جمهوری اسلامی را به مثابه یک رژیم فاسد و ورشکسته و غیر قابل اصلاح که صلاحیت اداره جامعه را ندارد هدف گرفته است. بی جهت ←

روز پنجشنبه ۳۱ تیر ماه و در هشتمین روز پیاپی اعتراضات توده‌های مردم خوزستان ادامه داشت و شهرهایی از دیگر استانها را نیز دربر گرفت. پاسخ جمهوری اسلامی به خواست و مطالبات مردم تشنه و به جان آمده همچنان شلیک گلوله و کشتار و بگیر و ببند بوده است. بنا به اخبار منتشر شده تا کنون حداقل هفت نفر جان خود را از دست داده، بیش از ۱۳۰ نفر زخمی شده و تعداد زیادی هم دستگیر شده‌اند. در اعتراضات شامگاه پنجشنبه در الیگودرز نیز یک نفر بر اثر شلیک گلوله مزدوران رژیم جانباخت و شماری نیز مجروح شدند. اما علیرغم اقدامات شدید امنیتی جمهوری اسلامی و اعزام تعداد زیادی از نیروهای سرکوبگر، اعتراضات و تظاهراتهای مردم خوزستان به بعضی دیگر از استانها از جمله اصفهان، بوشهر کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان نیز گسترش یافته است.

در این میان حسن روحانی که خود از چهره‌های امنیتی جمهوری اسلامی بوده و در بسیاری از جنایاتی که جمهوری اسلام در حق مردم مرتکب شده سهمیم بوده است، اینک در مقام "رئیس جمهور" برای مردم خوزستان اشک تمساح می‌ریزد. او روز پنجشنبه ۳۱ تیر ماه در تماس تلفنی با قاسم سلیمانی دشتکی استاندار رژیم در خوزستان گفت: "تحمل بی‌آبی و گرمای بالای ۵۰ درجه بسیار سخت و طاقت فرسا است و مردم حق دارند به شرایط موجود اعتراض کنند. دولت گوش شنوای صدای اعتراض بحق آنان است." روحانی که تا کنون بارها همانند اسلافش عاجزانه بر بی‌قدرتی رئیس جمهور در ساختار جمهوری اسلامی اذعان نموده است و دو هفته بیشتر به پایان دولتش باقی نمانده است در رابطه با اعتراضات وسیع و دامنه دار خوزستان در کمال وقاحت می‌گوید: "دولت تمام تلاش خود را برای حل سریع مشکل بی‌آبی که ناشی از خشک سالی و انباشت مشکلات باقی مانده است، به عمل خواهد آورد." البته تمام تلاش او که در

→ ارزان سازی نیروی کار شاغل در این صنایع بوده است. بعد از آنکه مطابق دستورالعمل دولت به وزارت نفت بخش زیادی از فعالیت‌ها و مشاغل صنعت نفت به شرکت‌های پیمانکاری واگذار شدند؛ این شرکت‌ها بخش زیادی از دستمزد کارگران را به غارت بردند و از زیر بار هر گونه مسئولیتی در قبال حقوق کارگران در زمینه حق بیمه و امکانات ایمنی و رفاهی شانه خالی کردند. از طرف دیگر بخشی از پیامد خصوصی سازی‌ها بر سر کارگران مجتمع صنعتی هفت تپه و گروه صنعتی ملی فولاد اهواز خراب شده است. کارگران در این مراکز صنعتی فقط با نیروی اعتراض و اعتصابات پی در پی توانسته‌اند دستمزدهای پایین تر از خط فقر را از گلوی کارفرما و مدیریت کارخانه بیرون بکشند. اگر چه اعتراض به بحران کم آبی جرقه خیزش مردم خوزستان را زده است اما این خیزش علیه بی حقوقی‌ها، محرومیت‌ها و اوضاع فلاکت‌باری است که بیش از هفتاد درصد مردم این منطقه از آن رنج می‌برند. این خیزش خیزش‌های عظیم تری را نوید می‌دهد. بیش از هفتاد درصد مردم این منطقه در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بی جهت نیست که کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و هفت تپه و گروه ملی فولاد خود را بخشی از اعتراض مردم خوزستان می‌دانند. سیاست‌های سرمایه دارانه همه جا مبارزه برای بهبود محیط زیست را به مبارزه برای بهبود زندگی و معیشت پیوند می‌زند.

جمعی از کارگران گروه ملی فولاد طی بیانیه کوتاهی که داده‌اند اعلام کرده‌اند: «در این روزها که مردم خوزستان در شرایط اسفبار زندگی میکنند بار دیگر اعلام میکنیم که همراه آنان بوده و هستیم چون میان مطالبات معترضان خیابانی با مطالبات کارگری منافاتی وجود ندارد و این اعتراضات را عمده‌تاً خانواده‌های کارگری شکل داده‌اند». کارگران خطاب به کارگزاران رژیم تأکید کرده‌اند که «اگر بحران آب و برق به طور اساسی و مطابق با خواست اکثریت مردم حل نگردد بار دیگر خیابان‌های اهواز را با سازماندهی مشخص کارگران به لرزه در خواهیم آورد تا از رفتار خود پشیمانان کنیم».

خیزش قهرمانانه مردم خوزستان که با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه‌ای همراه شده است فقط در همبستگی با اعتصاب سراسری و با شکوه کارگران پیمانی نفت و پتروشیمی، در همبستگی با کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، در همبستگی با اعتراضات بازنشستگان و معلمان و دانشجویان و جنبش‌های اعتراضی در سراسر ایران است که می‌تواند جایگاه واقعی خود را در به عقب نشاندن حکومت اسلامی و مبارزه برای سرنگونی آن باز یابد. در دل این اعتصابات، خیزش‌های توده‌ای و جنبش‌های اعتراضی است که شرایط برپائی تشکل‌های پایدار کارگری، ایجاد شوراهای محلات و نهادهای حاکمیت کارگری و توده‌ای و ملزومات نبرد نهایی برای سرنگونی انقلابی جمهوری فراهم می‌آید. ■

سیدعلی صالحی

کارون؛ خون‌بهای خوزای من

بعد از جنگ

هر کجای جهان

اگر دیدی دریا هست

اما آب نیست،

همانجا

زادروُدِ تشنه من است

خسته به حضرت خوزا.

بعد از جنگ

هر کجای جهان

اگر دیدی گندمزار هست

اما نان نیست،

همانجا زادروُدِ گرسنه من است

خسته به حضرت خوزا.

بعد از جنگ

هر کجای جهان

اگر دیدی آسمان هست

اما جایی

برای نفس کشیدن نیست،

همانجا

زادروُدِ بی‌رؤیای من است

خسته به حضرت خوزا.

خوزا

خوزا

خون‌بهای شهیدانِ بی‌مزارِ من!

تا کی ...

تا کی گریانِ هزار و یکی دریا

به شیونِ تشنگی ...؟!

تیرماه ۱۳۹۱

برای تشنگانِ جنوب

نه صبح ستم،

نه شامِ سراب،

قَسَمِ به حضرتِ آب،

دیگر نمی‌گذاریم که خولیا

خود پَردهٔ خوانِ خندق شود!

تیرماه ۱۴۰۰

تَشَا، تَشَا، تَشَاتَشْ،

یُرید الماء

اسقاط العطش!

یا هویزه هول‌انگیز

یا اهوازِ عَلمدار

بگو به ما

ما با اشک‌های مادرانِ خود

رفع عطش کنیم

یا گلوی بُریده باران را

بشوئیم؟!

تَشَا، تَشَا، تَشَاتَشْ،

ای آسمانِ اَبتر،

ای بی‌خیالِ خَشْ خَشْ!

تو

ما را

به تلخاب این تشنگی

چند فروخته‌ای،

که شمر از شوق دیدن خون

تیغ بر گلوی کبوتر کشیده است؟!

بارانا... بارانا...!



نیست که مقامات و نهادهای حکومت اسلامی از خامنه‌ای تا دیگر کاربدستان و مزدوران قضایی، امنیتی، نظامی و دستگاه فاسد روحانیت نیز کارگران؛ جوانان عاصی و بیکار؛ و زنان و کودکان و مردم ستمدیده و تشنه را آشوبگر، تخریبگر، اغتشاش‌گر، دشمن، عوامل شرور بیگانه و معاند می‌خوانند و به کشتار آنان کمر بسته‌اند.

در مقابل این یاوه‌گویی‌ها، توده‌های مردم معترض در خوزستان، تهران و بقیه جاها با صدای رسا و بدون نگرانی و هراس چنین شعارهایی سر می‌دهند. جمهوری اسلامی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی به بن‌بست رسیده و در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است، در مقابل اعتراضات وسیع مردم ایران غیر از تهدید و توسل به ابزار سرکوب راه دیگری ندارد. اما روند رویدادهای یک ماه گذشته نشان داد که سرکوب رژیم نتوانسته مؤثر واقع شود و کارگران و مردم تهیدست جامعه دیگر تاب تحمل زندگی فلاکتباری را که جمهوری اسلامی به آنان تحمیل می‌کند، ندارند. اگر درآوردن نام رئیسی جلاد از صندوقهای رأی یکی از اهداف و اقدامات رژیم در سفت کردن کمر بند امنیتی و نشان دادن عزم رژیم برای گسترش سرکوب و ارعاب بود، این اقدامات بلافاصله با اعتصاب و اعتراضات کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و پس از آن اعتصاب مجدد کارگران شرکت نیشکر هفته تپه و دیگر مراکز کارگری و اعتراضات اخیر توده‌های مردم تشنه و به جان آمدهٔ خوزستان پاسخ گرفت.

اعتصاب و اعتراضات مردم خوزستان و اعتصابات کارگران با اعلام حمایت و پشتیبانی وسیع و بی‌نظیری از جانب کارگران و دیگر اقشار زحمتکش و شریف جامعه روبرو شده است. هر روزه تشکلهای و نهادهای کارگری، باننشستگان، معلمان، دانشجویان و دیگر اقشار جامعه با صدور بیانیه و اطلاعیه اعلام می‌کنند که خود را درکنار مبارزات مردم خوزستان و کارگران نفت و پتروشیمی و هفت تپه و دیگر کارگران و اقشار تهیدست جامعه می‌بینند و سیاستهای سرکوبگرانه و توطئه‌گرانه رژیم را محکوم می‌نمایند. اما حمایت و پشتیبانی از این اعتراضات به تنهایی کافی نیست. برای به عقب نشاندن این رژیم ضد انسانی لازم است اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای سراسری شوند. لازم است کارخانه و خیابان به هم بپیوندند. مردم خوزستان و کارگران اعتصابی در صنایع نفت و پتروشیمی و هفت تپه درد و رنج همه کارگران و مردم رنج‌دیده ایران را فریاد می‌زنند. مردم قهرمان خوزستان همه استانها و شهرهای ایران را به پیوستن به خیزش حق طلبانه خود فراخوان می‌دهند.

دمکراسی پارلمانی بعنوان یکی از اشکال دولت بورژوائی

می دهند، دوم اقدامات اقتصادی که سرمایه داران به علت موقعیت مسلط خود در جامعه می تواند به آنان متوسل شود، و سوم اقدامات فرا اقتصادی که در آخرین قدم بورژوازی برای حفظ سلطه خود بکار می بندد.

اجازه دهید اینها را با یکدیگر مرور کنیم. در مورد نکته اول باید گفت: در جامعه سرمایه داری افراد حتی اگر از نظر حقوقی یکسان باشند، بطور واقعی یکسان نیستند. در حقیقت این موقعیت و مقام اقتصادی افراد است که حدود نفوذ رای واقعی آنان را تعیین می کند و بنابراین مادام که در موقعیت اقتصادی آدمها نابرابری وجود دارد صحبت از برابری حقوقی آنان مستمسکی برای سرپوش گذاشتن بر نابرابری واقعی آنهاست.

برای نمونه، آدم باید از فن سخنوری چیزی بداند تا بتواند راحت و صریح حرفش را جلوی صدها و هزاران نفر بزند و از آن دفاع کند. و تازه این کافی نیست. بعلاوه ضروری است که آدم بتواند از آن همه قاعده پارلمانی و نوشته های پیچیده حقوقی سر در آورد. برخورداری از این خصوصیات برای مدتهای مدید جزو حقوق ویژه سرمایه داران بود. آنان بودند که از همان کودکی از آموزش خوب و کافی برخوردار بودند، تربیت می شدند که تا حق به جانب و با جرأت حرفشان را در مقابل دیگران بزنند. موقعیت برتر خانواده شان نیز ضامن این بود که آنان متکی بخود بار بیایند و گستاخ و با جسارت تربیت شوند. برای اینکه فقط آموزش ابتدائی اجباری و رایگان شود سالها سال وقت لازم بود و تازه آنوقت تفاوت بین مدارس دولتی و سیستم خصوصی آموزش و پرورش زمین تا آسمان فاصله بود. این اختلاف هنوز هم و آنها در پیشرفته ترین کشورها وجود دارد.

به نمونه دیگری توجه کنید، برای اینکه نماینده کارگران به مجلس انتخاب شود باید خود و نظراتش را به دیگران، و منجمله خود رفقای کارگرش در یک حوزه انتخاباتی معین بشناساند. این به تبلیغات و به درآمد کافی برای آن نیاز دارد. اینطور نیست که بورژواها ساکت نشسته باشند و بگذارند که

مناصب دولتی خود یکی از منابع درآمد مستقیم و غیر مستقیم برای اقتشاری از بورژوازی و یکی از عوامل مهم در رقابت احزاب بورژوا برای رسیدن به حکومت را تشکیل می دهد.

نظام پارلمانی، که شاه بیت سیستم سیاسی حکومت بورژوائی است، با وجود پیشرفتی که در قیاس با استبداد و رژیم های کهنه اجتماعی در بردارد. نهایتاً جز ابزاری که به بهترین نحو با



منافع، موقعیت مادی و اجتماعی، و جهان بینی و نگرش سیاسی بورژوازی متناسب بوده و مانند سایر مؤسسات بورژوائی به حفظ سیادت طبقاتی وی خدمت می کند، چیز دیگری نیست.

پذیرش حق رای همگانی و گسترش آن به حق رای زنان در ابتدای قرن بیستم، که خود پیش از هر چیز محصول جنبش کارگری و مبارزات سوسیالیستی پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم بود، گرچه پیشرفت بزرگی در کسب حقوق مدنی برای کارگران، زنان و مردم عادی محسوب می شد و به معنای وادار کردن بورژوازی به گسترش مفهوم شهروند به طبقات غیر مالک بود، اما نه فقط مطابق پیش بینی رفرمیست ها موجب ظهور دولت های «بیطرف» و فتح آن ها از طرف توده انتخاب کنندگان از طریق پروسه های پارلمانی نشد و نمی توانست بشود، بلکه نهایتاً حاکمیت سرمایه را خالص تر و کامل تر برقرار ساخت.

بنابراین حتی در صورت حق رأی همگانی و تأمین برابری صوری افراد در برابر قانون باز سرمایه داران دست بالا را خواهند داشت، و به دولت و سلطه سرمایه داران خدشه ای وارد نمی شود. دلایل آن را می شود به چند بخش تقسیم کرد. اول موانعی که سرمایه داران بر سر ورود نمایندگان کارگران به پارلمان قرار

چرا نظام پارلمانی که نیروهای اپوزیسیون بورژوائی وعده آن را می دهند نمی تواند دخالت کارگران و زحمتکشان یعنی اکثریت جامعه را در سیاست و اداره جامعه تأمین کند؟ در نظام پارلمانی قدرت واقعی در کجاست؟

در پاسخ به این سئوالات ابتدا لازم است تأکید کنیم که دمکراسی پارلمانی یکی از اشکال دولت بورژوائی است. دولت در جامعه سرمایه داری، مانند همه جوامع طبقاتی پیشین، دستگاه متمرکز طبقه حاکم جامعه برای تثبیت و تداوم سیادت خود بر طبقات ستمکش و استثمار شونده است. دمکراسی پارلمانی بعنوان شکلی از دولت بورژوائی، علیرغم اینکه با اتکاء به قانون حق رای همگانی و تساوی صوری افراد در برابر قانون و پذیرش اصل حاکمیت مردم از طریق انتخابات بیش از همه ی دولت های پیشین ظاهر نیروی مافوق طبقات بخود می

گیرد. اما در واقعیت امر دولت در شکل پارلمانی آنها، نه فقط «مختار» و «مستقل» از طبقه سرمایه دار نیست، بلکه با هزاران رشته به منافع طبقه حاکمه وابسته است و در واقع بطور کامل و هر روزه از طرف سرمایه داران خریداری می شود. قوه مجریه دولت های بورژوائی در حقیقت مانند کمیته اجرایی کل طبقه سرمایه دار در کشور عمل می کند.

دولت بورژوائی، در کامل ترین و خالص ترین شکل آن، یعنی دموکراسی پارلمانی، با بی اعتبار اعلام کردن وابستگی های شخصی و مربوط به اصل و نسب، در واقع وابستگی تمام عیار خود را به سرمایه، و صرفاً به سرمایه، تأکید می کند و خود را به کل طبقه بورژوا بعنوان یک طبقه و منافع عمومی آن متکی می سازد.

دولت سرمایه داری در عین حال به حکم خصلت متمرکز و مرتبط تولید سرمایه داری، و نیز به حکم خصلت فشرده مبارزه طبقاتی در جامعه معاصر متمرکز ترین دولتی است که در نظام های طبقاتی پدیدار شده است. این دولت بوروکراسی عریض و طویل، با ارتش های مجهز و کثیرالعهده و دائمی، با پلیس و دستگاه های امنیتی گسترده و غیره روز به روز به بار سنگین تری بر دوش جامعه تبدیل شده و بخش های قابل ملاحظه ای از درآمد اجتماعی را در خود فرو می برد. دست یابی به مقامات و

سازمانها و گروه های صنعتی و تجاری بر احزاب اصلی، دولت و کمیسیونهای پارلمانی با شبکه پیچیده ای از ارتباطات که دارند بر کسی پوشیده نیست. در آمریکا انحصارات و کمپانیهای بزرگ صنعتی در اعمال نفوذ بر وزارتخانه ها با یکدیگر به رقابت بر می خیزند. وزیر دفاع دولت آمریکا در مقابل شرکت های هواپیما سازی و تسلیحاتی بیشتر احساس مسئولیت می کند تا مجلس و رئیس جمهور این کشور. این روال در همه کشورهای سرمایه داری جریان دارد. بنا به همین دلایل ساده است که دولت ها و پارلمانهای بورژوازی می توانند به نام مردم و بنام دموکراسی جنایتکارانه ترین جنگ ها را براه اندازند. باز به همین دلایل ساده است که جنبش میلیونی و عظیم ضد جنگ علیه عراق با شعار "با نام ما به جنگ نروید" نتوانست از مجرای پارلمان خواستها و مطالبات خود را به کرسی بنشانند. در آمریکا و انگلستان میلیونها تظاهر کننده ضد جنگ که افکار عمومی اکثریت جامعه را با خود همراه داشتند نتوانستند از مسیر پارلمان جلو جنگ افروزی دولت های بوش و بلیر را بگیرند. در اسپانیا و ایتالیا مخالفت بیش از ۷۰ درصد مردم با جنگ نتوانست مانع پیوستن دولت های این کشورها به سیاستهای میلیتاریستی آمریکا شود. در فرانسه اعتصابات کارگری و توده ای علیه قانون بالا بردن سن بازنشستگی و پشتیبانی ۷۵ درصد از افکار عمومی از این اعتراضات نتوانست جلو تصویب و اجرای این قانون را بگیرد.

یک نمونه فراموش نشدنی اقدام بورژوازی شیلی در سال ۱۹۷۳ میلادی است. دولت سالوادور آلنده دولت منتخب مردم بود. او خود را سوسیالیست می دانست و می خواست در شیلی نوعی سوسیالیسم ایجاد کند. که در بهترین حالت چیزی بجز الگوئی از سرمایه داری مطابق با مدل سوسیال دموکراسی اروپا نبود. اما همین اندازه رفرم به نفع کارگران به مذاق طبقه سرمایه دار شیلی جور در نمی آمد. از اینرو آنان پس از شکست انتخاباتی شان اقدام به کارشکنی و تحریک ناراضی بر علیه دولت منتخب پارلمان شیلی کردند. سرمایه شان را از کشور خارج کردند، عامدانه کارخانه هایشان را بستند و کارگران را بیکار کردند، شرکت های حمل و نقل شان را تعطیل کردند، از کشت اراضی زراعی و فروش مواد غذایی خودداری کردند و غیره و غیره. اینها همه دست دولت آلنده را تنگ کرد و بالاخره زمینه سرنگونی آن از طریق کودتای پینوشه را فراهم آورد. ممکن است گفته شود، بسیار خوب اگر مسئله مالکیت مانع پیشرفت

پیشبرد سیاستهای معینی استفاده کنند. در هر حال انتخاب با طبقه بورژوا است و مادامکه قوانین جامعه سرمایه داری مشروع بمانند از دست کارگران کار چندانی بر نمی آید. شریان اقتصادی جامعه، بانکها، مراکز تولیدی، خطوط حمل و نقل و ارتباطات، مزارع و انبارهای مواد غذایی همه و همه با هزار رشته در تصاحب سرمایه داران است. آنها یا مستقیماً یا شخصاً مالک این امکانات هستند و یا اینکه از طریق سهام و اوراق دیگر بانکی در مالکیت آن شریک هستند. بنابراین پارلمان و کابینه منتخب آن هر چه می خواهند تصویب کنند، مصوبات آنان در بهترین حالت محدودیت هایی را به سرمایه داران تحمیل خواهد کرد، حال آنکه چنین پارلمان و کابینه ای گروگان اهرمهای اقتصادی آنان خواهند بود. آنطور می ماند که یک عده که پول چندانی ندارند جمع شوند و در مورد این صحبت کنند که کس دیگری که پول فراوانی دارد با آن پول چه کار باید بکند.



ولی بیائید فرض کنیم که ما با یک حالت ایده آل مفروض سروکار داریم، فرض کنیم در بین کارگران هم افراد با تحصیلات عالی وجود دارد. بعلاوه بیائید فرض کنیم که تحت شرایط فوق العاده استثنائی امکانات تبلیغی کارگران و سرمایه داران یکسان است. در چنین حالتی وضعیت چگونه خواهد بود.

این ما را به دومین ملاحظه مارکس می رساند، یعنی نقش اهرمهای اقتصادی جامعه سرمایه داری در کنترل پارلمان و حفظ اقتدار سرمایه داران. قوانین اقتصاد سرمایه داری پدیده هایی هستند که به اعتبار خود و بدون هر گونه قهر سیاسی جاری هستند و عمل می کنند. بنابراین با یا بدون پارلمان این قوانین اقتصادی هستند که اساس جامعه سرمایه داری را می سازند. مادامکه مالکیت خصوصی پا برجاست و مادامکه مناسبات کار مزدی در جامعه دست نخورده باقی مانده است، موقعیت مسلط سرمایه دار از یکسو و موفقیت فرودست کارگر از سوی دیگر در جامعه باقی می ماند. این موقعیت سرمایه داران آنها را در شرایطی قرار می دهد که بتوانند شریانهای اقتصادی جامعه را در انحصار خود قرار دهند. سرمایه داران به اعتبار این موقعیت خود می توانند توان اقتصادی شان را هم برای پیشرفت سیاستهای معینی بخدمت گیرند و هم برعکس می توانند از آن بنحوی منفی یعنی برای جلوگیری از

است آنوقت پارلمان می تواند آن را ملغی نماید. این البته حرفی است که سوسیال دمکراتها ۹۰ سال است آن را می زنند و هیچوقت تاکنون مقدور نشده است. اما اگر این تجربه تاریخی را نادیده بنگریم. مثلا آن را بحساب رفرمیسم این جریانات بگذاریم آنوقت چه.

این ما را به سومین و مهمترین نکته می رساند که مارکس در مورد مسئله دولت و پارلمان بورژوائی خاطر نشان می سازد. پارلمان صرفا یکی از ابزارهای دولت بورژوائی است و کسی که این را نبیند خود و دیگران را به نفع بورژوائی فریب می دهد. بورژوائی طبقه ای نیست که بشود آن را صرفا به یک عده آدم متمول و صاحب ثروت تنزل داد. این طبقه برای حفظ موقعیت خود در کنار توان مادیش ایدئولوگ ها و احزابی که موقعیت نابرابر آن را توجیه می کنند، و همینطور سلسله مراتب مذهبی که اسباب تخدیر روان مردم را برای آن فراهم می کنند، از چیزی بنام دستگاه دولتی برخوردار است. دولت بورژوائی نهادی است که از طریق آن ابزار قهر و سرکوب در انحصار طبقه سرمایه دار قرار دارد. بورژوائی آنگاه که مشروعیت قانونی خود را مثلا بخاطر وجود پارلمانی که مغایر با منافع اساسی آن عمل می کند در خطر ببیند، به ابزار دیگر دولتی اش متوسل می شود. بورژوائی از ارتش، پلیس مخفی، بوروکراسی، دستگاه قضائی نیز برخوردار است، نهادهایی که بورژوائی وظیفه حفظ نظم و امنیت جامعه را به آنها سپرده است و سلسله مراتب آنان نیز هیچ انتخابی نیستند بلکه مستقیما توسط خود طبقه بورژوا انتصاب می شوند.

بنابراین اگر زمانی رأی پارلمان تداوم سلطه بورژوائی را به خطر اندازد، اگر زمانی دعوای پارلمانی چنان بالا گیرد که جامعه به یک بحران سیاسی یا اجتماعی مواجه شود، اگر زمانی شکاف بین اقشار مختلف بورژوائی سلطه کل این طبقه را تضعیف کرده و زمینه ای برای تحرک جدی کارگران فراهم آورد، بورژوائی برای رفع این خطر به اهرمهای دیگر قدرت دولتی خود متوسل می شود. در بسیار از کشورها یک مقام ماورا پارلمانی برای این مواقع در نظر گرفته شده است. شاه، رئیس جمهور، رهبر و امثالهم یکدفعه بعنوان داور نهایی نازل می شوند، از حق ویژه خود استفاده کرده و پارلمان را منحل می کنند. ولی اگر وضع از این هم بدتر شده باشد که نتوان به این اقدامات آنرا بهبود بخشید، در اینصورت بورژوائی قانونیت خود را کنار زده و دستگاه متعارف اعمال قهر و سرکوب خود، یعنی ارتش و پلیس را بکار می

گیرد و دست به کودتا می زند. تاریخ صد سال گذشته مملو از نمونه هایی است که نشان می دهد چگونه در مواقع خطیر بورژوائی ارتش، پلیس مخفی اش، بوروکراسی، قضات، زندانها و جوخه های اعدامش را بکار می گیرد و اگر اینها کفاف نکرد به سازمانهای باند سیاهی و گروههای کانگستر و مافیائی هم متوسل می شود تا به اشکال غیر پارلمانی و البته غیر قانونی موقعیت از دست رفته اش را بدست آورد. در همین قرن اخیر آدم آنقدر مثال می تواند بیاورد که از فرط وفور در مضیقه می افتد. اگر در اینجا کشورهای آمریکای لاتین و آسیایی را قلم بگیریم و فقط به کشورهای اروپائی که مهد دمکراسی های پارلمانی بوده اند اشاره کنیم می بینیم، که در سالهای بعد از جنگ جهانی اول که خیزش های توده ای مردم و مبارزه متشکل کارگران حاکمیت بورژوائی را به مخاطره انداخته بود، بورژوائی همه امکانات قهر و سرکوبش را علیه کارگران که در پارلمان هم نماینده داشتند بکار گرفت.

در ایتالیا در سال ۱۹۲۰ موسیلمینی از طریق کودتا به قدرت رسید و بساط اختناق و سرکوب کارگران و سازمانهای صنفی و سیاسی آنان را گستراند. در آلمان در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۳ بورژوائی کارگران را به گلوله بست و شوراها را منحل کرد. در انگلیس در سال ۱۹۲۶ بورژوائی ارتش خودش را بسیج کرد تا اعتصاب عمومی کارگران را در هم بشکند. در اتریش در سال ۱۹۲۸ بورژوائی قیامی را به کارگران تحمیل و هزاران تن از آنان را به خون کشید. در آلمان در سال ۱۹۳۳ هیتلر به قدرت رسید و سرکوب و خشونت علیه کارگران را به حد اعلا رساند. در آمریکا پس از سقوط بازار بورس در سال ۱۹۳۲ سرمایه داران آمریکائی برای سرکوب کارگرانی که خواهان ایجاد اتحادیه هایشان بودند رسما از باندهای مافیائی استفاده کردند.

در همین ایران در حول و حوش آن سالها دو کودتا روی داده است. یکی کودتای ۱۲۹۹ شمسی که رضاخان را به قدرت رساند و مجلس به ابزاری در دست او تبدیل شد و دیگری کودتای ۱۳۳۲ که به سرنگونی دولت مصدق و روی کار آمدن مجدد محمد رضا شاه منجر شد.

در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپای غربی به استثنای یونان سالهای ۶۰ میلادی کودتائی روی نداده است، اساسا به این علت که سلطه بورژوائی هنوز آنقدر به خطر نیافتاده که بورژوائی برای حفظ موقعیت

منابع:

بیانیه سیاسی حزب کمونیست ایران
آرمانها و توهمات نوشته جعفر رسا



تجارب کارگری

مروری بر مبارزات طبقاتی درخشان جنبش کارگری در هفت تپه

خروریسم دولتی

حکومت به اقدام تروریستی برای هرس افکندن در دل اعتصابگران دست زد. کارفرما برای ایجاد جو ترور و وحشت، به عوامل خود دستور داد تا سرپناه کارگران را شبانه آتش بزنند. کارگران در واکنش به این اقدام ددمنشانه اعلام کردند: «کارفرمای هفت تپه که قبلا در سال ۹۶ با اجیر کردن چند خود فروخته در شهرستان دزفول، با قمه و شمشیر به جان اسماعیل بخشی افتادند. در ادامه با پرونده سازی های گوناگون و بازداشت و زندانی کردن ۸ فعالین سعی کرد که آنها را از میدان به در کند ولی تا اکنون موفق نشده است. اما در آخرین حرکت رذیلانه خود بوسیله جیره خواران خود اقدام به آتش زدن خانه فعال کارگری یوسف بهمنی در منازل ۴۰ دستگاه هفت تپه نموده است... ما کارگران هفت تپه این حرکت ددمنشانه کارفرما را شدیداً محکوم می کنیم و کارفرمای فاسد منتظر عواقب این کار خود باشد.» (جمعی از فعالین کارگری مستقل هفت تپه)

یوسف بهمنی در مصاحبه ای اعلام کرد:

«افراد ناشناس منزل من را به آتش کشیده و خانه محمد خنیفر را به رگبار بستند... زما با تمام توان بر سر حق و حقوق قانونی کارگر ایستاده ایم و هزینه آن را هم می پردازیم... متأسفانه، همین اسدیگی که گفته بود، حقوق کارگران به اندازه پول توجیبی او بوده، هیچ اهلیت مالی برای تملک شرکت نداشته و معلوم نیست که با چه بررسی هفت تپه با سابقه ۶ دهه ای خود به چنین شخصی واگذار شده است. حالا هم که برخی از بازنشستگان با بازگشت به کار خود، مشغول سندسازی برای شرکت بوده و هفت تپه را با بدهی های انباشته مواجه کرده اند. بازنشستگانی که حقوق نجومی هم دریافت می کنند» (از مصاحبه یوسف بهمنی با امتداد - باز نشر از کانال مستقل).

هجده گلوله برای ترور نماینده کارگران هفت تپه به منزل او شلیک شده است! کارگران اعلام کردند: «ما کارگران هفت تپه در حمایت از تمام نمایندگان خود و همچنین

تجارب کارگری صفحه ویژه ای است که در جهان امروز به صورت پیاپی اما مجزا به بازتاب مبارزات کارگری و بررسی فزاینده ای از آزمون های جنبش کارگری می پردازد. در این شماره بخش یازدهم این تجربه را خنثی کردن تلاش و وابستگی رژیم برای به انحراف بردن مبارزه و اعتصاب کارگران هفت تپه است ملاحظه می کنید.

+++

و افزودند «ما بعد از لغو خصوصی سازی یا شرکت را دولتی می خواهیم یا صد در صد به کارگران واگذار شود.

پشتیبانی از کولبران کردستان

آنچه که در همبستگی با کولبران از سوی کارگران در کانال مستقل کارگری بازتاب داده شد، وجدان بیدار و آگاه طبقاتی کارگران هفت تپه بود که روز ۱۲ مرداد به حکومت اعلام کرد: کولبر نکشید! و فراخوان دفاع از کولبران و توفان توییتری

در همان حال به شرایط زنان زندانی در اهواز واکنش نشان داده و نا و مشخصات و وضعیت دردناک ۱۰ زن زندانی سیاسی در زندان سپیدار اهواز را گزارش دادند.

اعلام شد که این زنان که همگی از اهواز هستند، پس از بازداشت مورد بازجویی و شکنجه قرار گرفته اند. برخی از آنان حین بازداشت باردار بوده و در همین وضعیت زیر شکنجه و بازجویی قرار گرفتند.

یکی از این زنان زندانی به نام الهه درویشی که در سن ۱۸ سالگی بازداشت شده بود، فرزندش را در زندان دنیا آورد.

همچنین سکینه صگور پس از شکنجه های وحشیانه در اداره اطلاعات با جسمی خونین، در حالیکه دستبند به دست و زنجیر به پا داشت، جهت وضع حمل به بیمارستان منتقل و فرزندش در چنین شرایطی متولد شد.

یکی دیگر از این شهروندان مریم زبیدی نام دارد که مادر ۴ فرزند، سه پسر و یک دختر است. مریم همراه با دو پسر ۲۹ و ۲۶ ساله خود، بنامهای محمد و بنیامین آبوغیبش بازداشت شد. یکی از پسران او، بنیامین در ۵ تیرماه ۹۸ زیر شکنجه جان باخت.

سفر نمایندگان کارگری به تهران و دیدار با نمایندگان مجلس

روز شنبه ۱۱ مرداد، اشکار شد که در دیدار نمایندگان کارگران با مجلس شورای اسلامی در تهران، نمایندگان مجلس با بددهنی

در حمایت از آقای محمد خنیفر که این جنایت سازمان یافته علیه او به دست اسدیگی - رستمی اتفاق افتاده و در اعتراض به این اقدام وحشیانه و همچنین در اعتراض به اقدام وحشیانه به آتش کشیدن منزل یوسف بهمنی از دیگر نمایندگان کارگران هفت تپه، در تجمعات روزهای آتی با شعارهای محکم و رسا فریاد خواهیم زد و اعلام حمایت خود و محکوم کردن این دست اقدامات داعشی ها در هفته های اخیر را به گوش تمام دنیا خواهیم رساند. جمعی از کارگران هفت تپه از بخش های مختلف جمعه

۲۴ مرداد ۱۳۹۹

در پی ایستادگی کارگران و بازتاب اعتصاب و خواست های کارگران در رسانه های جهانی و پشتیبانی فعالین سوسیالیستی و کارگری و ارگان های بین المللی کارگری در خارج از کشور، تلویزیون حکومتی برای نخستین بار ناچار شد از فساد اسدیگی ها و از برگزاری دادگاه اختلاسگران خبر دهد.

ارگان های معتبر کیانند؟

۱۹ مرداد ۵۶ روز اعتصاب

کارگران اعلام اعلام کردند: «آقای رئیسی و مجلس و سپاهی همانند آملی لاریجانی که رفت می خواهند نام اهلیت دار شرکت را به دست خود بگیرند. فریب نمی خوریم.» و در برابر این تبلیغات حکومتیان، ماهیت بنیادهای های معتبر سپاه و مسضعفان و... را برملا کردند. افزودند که این ارگان های سرکوب و استعمار، دست در دست هم اموال عمومی را تصاحب کرده و مالیات هم نمی دهند.

نماینده حکومتی در مجلس از شوش محمد کعب عمیر، گفت «هفت تپه، به ارگان معتبر واگذار بشه و...»

کارگران بی درنگ هشدار دادند: کعب عمیر دارد برای چه کسانی دلالتی میکند؟

«ارگان معتبر نام دیگر غارت نیمه دولتی - نیمه خصوصی سازی و یا مسلط کردن گروه هایی مثل سپاه و بنیاد و ... بر زندگی و حیات و زیست و جان و مال ماست که مستقیماً نیروی سرکوب هم دارند!»

با کارگران روبرو شده و در حالیکه کارگران از سویی با اراده‌ی استوار و اعتماد به طبقه و نیروی و حقانیت خود آگاه از سوی دیگر از ماهیت مجلس و نمایندگان و رسالت طبقاتی آنان آگاه بودند، پاسخ مناسب را به گستاخان دادند. در پی این دیدار و اعلام مواضع و خواست کارگران بدون کوچکترین کرنش در برابر این نمایندگان فرمایشی نشان دهند، به هفت تپه بازگشتند و گزارش ماموریت خود را به گوش همه کارگران رساندند.

محکوم کردن برخورد توهین آمیز نمایندگان مجلس به کارگران

پاسخ عادل سرخه، پاسخ کارگران بود، نه تنها کارگران هفت تپه، بلکه پاسخ طبقه کارگر در برابر فرمانداری شوش به نمایندگان اختلاس در مجلس. «نمایندگان ما بالاتر از شماها هستند ... نمایندگان کارگران مانند شماها نیستند. شماها همه دزد، همه زندانبان، همه دست در دست هم، همه اختلاسگر فرزندان در کانادا و آمریکا و اروپا و حقوق‌های ۱۰۰ میلیونی و ...»

سفر نمایندگان حکومتی به شوش

در روز ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ سه نماینده حکومتی ماموریتی یافتند تا به شوش سفر کرده و پشت درهای بسته با کارگران گفتگو کنند. کارگران گفتگوی پنهان را مردود اعلام کرده و گفتند ما در جمع همه کارگران به گفتگو می‌نشینیم. نمایندگان که خود از پاسداران مجلسی بودند، برای واگذاری مجتمع نیشکر هفت تپه به سپاه یا بنیاد مستضعفان به هفت تپه آمده بودند. کارگران دریافتند که اینان تیم سپاه بودند. از همین روی اعلام کردند که: «این چند نماینده مجلس که به شوش آمدند برای این بود که ویرانی هفت تپه را ببیند، گزارش کنند به مجلس ببرند اسدبگی‌ها رو بیرون کنند اما: آمده اند که دوستان خودشان را جایگزین کنند. یعنی سپاه! یعنی فردا باید با توپ و تانک سپاه و با موشک روبرو بشیم! خیلی ممنون! لازم نیست. ما نه سپاه نه ارتش نه نیروی انتظامی نه تامین اجتماعی و نه هیچ کدام از اینها رو قبول نداریم. شرکت به وزارت کشاورزی داده بشه با نظارت خودمون.»

برای شناخت بیشتر این نمایندگان به کانال مستقل کارگران می‌نگریم:
علی خضریان: عضو شورای مرکزی جبهه

پایداری انقلاب اسلامی! عضو و سخنگوی ستاد انتخاباتی رئیسی در نمایش انتخاباتی سال ۱۳۹۶! دوازده سال همکاری با نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، مدیر مرکز ارتباطات و اطلاع رسانی نهاد رهبری! یک سپاهی کامل و وابسته به دفتر رهبری!

- سید نظام الدین موسوی: سیاستمدار اصولگرا و سپاهی و عاشق سپاه و از این بیشتر مسول سابق یکی از خبرگزاری‌های سپاه: فارس - احمد نادری: عاشق پیاده روی کربلا، مخالف ظاهری نولیبرالیسم، مردم شناس و ضد مردم حرفه‌ای! همراه و همدست سپاه!

تیم تخصصی از سپاه فرستادند که محاسبات کنند چطور هفت تپه رو اشغال کنند! نه به هر گونه خصوصی سازی و نه به نیمه خصوصی نیمه دولتی اعم از سپاه و تامین اجتماعی!

کارگران هفت تپه هشیارند جنابان سرداران سپاهی در لباس نماینده و در کت و شلوار! خضریان در جمع کارگران برای فریب کارگران در هفت تپه گفت هفت تپه محصول نئولیبرالیسم است!!

هر سه نماینده هرچند با گذراندن دوره‌های جنگی در سپاه، اما بیش از نیم ساعت در جلو فرمانداری و شش دوام نیاوردند. آنان در گرمای بیش از ۵۰ درجه نیمه بیهوش افتادند. کارگران با ریختن آب سرد بر سر آنها نجاتشان دادند و پس از تیمار به تهران راهی شان کردند. سید نظام موسوی نماینده سپاهی از ساری، در جمع کارگران اون شلاقی که قراره به پشت کارگران بخوره اول باید به پشت من سید نظام موسوی و احمد نادری و علی خضریان. علی خضریان، ریاکارانه و از روی تقیه گفت: من صدای کارگران هفت تپه هستم.

همین‌ها که غش کردند و کارگران روی آنان آب ریختند و درمانشان کردند و راهی تهران شدند روز بعد علیه کارگران به توطئه نشستند. ماموریت پیک سپاه، جلب رضایت کارگران به واگذاری مجتمع نیشکر به سپاه یا «بنیاد مستضعفان» بود. آنان به ظاهر با کارگران در خلع ید از اسدبگی‌ها، هماوایی نشان دادند. آنان از اهلیت نداشتن اسدبگی‌ها برای مدیریت و واگذاری گفتند و سپاه را ارگانی معرفی کردند که اهلیت دار است و هم دولتی. آنان با این دسیسه می‌خواستند کارگران را خلع سلاح کنند و خواست‌های دولتی‌کردن و یا تعاونی کارگری را مصادره کرده و ماکیت سپاه را به جای آنها بنشانند.

ماموریت موسوی امام جمعه

موسوی امام جمعه اهواز و نماینده ولی فقیه

آمده بود تا ماموریت خود را در فریب کارگران انجام دهد. به بیان کارگران هفته تپه، «آمده بود که بر اعتراض و اعتصاب ما سوار شود و برای سپاه و بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام واسطه‌گری کند. حالا که اعتصاب ما به نتیجه رسیده آمده اعتصاب شکنی کند و میگوید مهلت بدهیم! تازه میخواهد اسدبگی‌ها محاکمه شوند! در حالی که دارند محاکمه می‌شوند!

شرکت فقط باید به دولت برگردد یا به خود کارگران. ما بعد از خلع ید اسدبگی شرکت را به هیچ نهاد نظامی یا دولتی یا نیمه دولتی نمی‌دهیم.»

آیت‌الله موسوی از دولتی کردن گفت یعنی سپاهی شدن هفت تپه، از بدون دولت و نیابدها حرف زد و آنگاه که گفت: کارگران جانشان را میدهند در راه جمهوری اسلامی، مورد تمسخر کارگران قرار گرفت و دست بر عمامه گذاشت با اعتراض محل را ترک کرد.

کارگران پیشرو از حشمت طبرزدی که او درد کارگر را نمی‌داند، بی مسئولانه با اعلام اینکه کارگران لر و بختیاری مخالف اعدام چند لر شده اند، واکنش نشان دادند و نوشتند که برای ما شناسنامه قومی درست نکنید و به او هشدار دادند.»

نماینده مجلس و دلالی برای سپاه

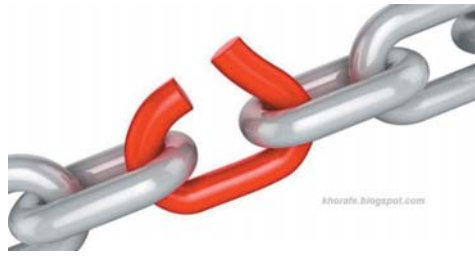
یکی از نمایندگان مجلس که خیلی هم برای حق کارگران هفت تپه گلو پاره میکرد، تا بگوید که سپاه را برای جایگزینی پیشنهاد میدهد. نگرش او از تعاونی نوعی تعاونی بود که برای فریب سهم‌ناچیزی به کارگر بدهند و سهم افزون بر ۹۰ درصدی به عومل حکومتی و سپاه واگذار شود.

خضریان، هم مانند دیگر کارگزاران حکومتی و امنیتی‌های جناح مقابل دولت به خوبی می‌داند که خواست تعاونی کارگری آنگونه که کارگران می‌خواهند و نه آنگونه که حکومتیان آنرا با ماهیتی دیگر می‌خواهند، از واژه‌ی تعاونی سوء استفاده می‌کند. کارگران واکنش نشان دادند: «تعاونی محلی که او به آن اشاره میکند لابد یک تعاونی حلقه به گوش سپاه است! در حالی که کارگران هفت تپه تعاونی را در صورتی قبول میکنند که صد در صد سهام به کارگران داده شود و تعاونی هم توسط خود کارگران تشکیل و اداره کامل شود.»

خواست کارگران در باره مالکیت در این برهه چنین اعلام شد:

نه به تعاونی نصف-نیمه و مفت خورانه! آری به تعاونی صد درصد کارگری!

زنجر ستم از ضعیف ترین حلقه ها، گسسته می شود!



مربوط به آب، برق، نفت و گاز، حداکثر در رده های دوم و سوم اجرایی، آنهم به ندرت حضور دارند. داستان مصائب منافع خوزستان، نیازی به تفصیل ندارد. "سپاه نیوز پایگاه خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مانند همیشه در انکار نقش سپاه به عنوان مهمترین بازوی نظامی جمهوری اسلامی و یکی از ارگانهای به شدت مؤثر در رابطه با خشکاندن تالابهای خوزستان برای بهره برداری از مناطق نفتی داشت، چنین نوشت:

"از نخستین روز آغاز بحران آب در خوزستان مطالبه گری از مسؤلان و پیگیری اقدامات در دستور کار قرار گرفت و منجر به رهاسازی آب از پشت سدهای خوزستان شد." وی افزود: "پیگیری اتصال تأسیسات روستایی سوسنگرد و هویزه به تأسیسات مجتمع امام علی از دیگر اقدامات سپاه خوزستان برای حل مشکل آب روستائیان غرب خوزستان بود." فرمانده سپاه ولیعصر استان خوزستان با اشاره به راه اندازی قرارگاه آبرسانی سپاه در مناطق بحرانی خوزستان افزود: "در این زمینه پیگیری هایی برای حل مشکلات روستاییان در احمدفداله دزفول و دهدز انجام شد و تانکرهای تأمین آب نیز به این مناطق اعزام شدند."

اگرچه این تبلیغات و تیر خبرها در این اصل

چند روزی است که اعتراضات برحق مردم شهرهای مختلف خوزستان از جمله شادگان، خرمشهر، اهواز، رامهرمز، ماهشهر، کوت عبدالله، ویس، چمران، حمیدیه، سوسنگرد، رامشیر، ماهشهر، شوش و... به یکی از مهمترین کانونهای خبررسانی، تجزیه تحلیل و موضع گیری جریانهای مختلف سیاسی بدل گشته است. روزنامه جمهوری اسلامی در خبر روز سه شنبه مورخ ۲۹ تیر چنین نوشت "دولت ها در عدم رسیدگی به رفع مشکلات و تنگناهای روستاها و شهرهای خوزستان از نظر حل مشکل فاضلاب و آبرسانی و دهها مشکل دیگر، در عمل و نتیجه، و پس از چهل سال، عملکردی یکسان داشته اند." «آب را برده اند و مشکلات اولیه مردم را نیز حل نکرده اند». گویی قرار است خوزستان را زمین سوخته نمایند. این روزنامه که خود در چهارچوب مناسبات جمهوری اسلامی سالهاست قلم می زند اما چنین ادامه می دهد "همه دولت ها از نظر منابع آب استان خوزستان، یک الگو و برنامه واحد را تاکنون دنبال کرده اند. مردم خوزستان هم این را فهمیده اند که با دلخوش کردن به اصول گرا یا اصلاح طلب، هاشمی، خاتمی یا احمدی نژاد و روحانی و حالا رئیسی، هیچ تفاوت و تغییری در سیاست های کلان انتقال آب نخواهد افتاد. سیاستمداران و مدیران اجرایی خوزستانی، در وزارتخانه های

مجلس نماینده های اسدیگی و ساییا و ایران خودرو و پالایشگاه هاست. مثل دولت، مثل قوه قضائیه، مثل استاندار و فرماندار و رده های پایین. کیف های دلار و سکه و رشوه های چرب تا حالا حرف اول را میزنه. خلاصه ما گفتیم. و حرف آخر اینه که کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من!"

در این برهه، کارگران به مرور تجربه های خود در این اعتصاب تاریخی می پردازند. این کارگر پیشرو به ارزیابی دستاوردها، آموزش ها و آزمون این دوره اشاره کرد:

نخست برای یادآوری، مروری کنیم بر درس های گذشته:

اول مروری کنیم به درس های سال قبل: اعتصاب

مروری کنیم به درس های دو سال قبل: اعتصاب

مروری کنیم به درس های سه سال قبل: اعتصاب

مروری کنیم به درس های دوازده سال اخیر: اعتصاب

نتیجه: اعتصاب کنیم تا پیروز شویم.

پیروزی نزدیک است." و در پایان این ارزیابی به جمع بندی زیر می رسند:

"این درس غلیظ را به تمام دنیا مخابره میکنیم: اعتصاب تنها راه به زانو درآوردن جماعتی است که منافعشان متضاد با منافع ماست.

پایان درس امروز از هفت تپه، پایتخت اعتصاب جهان"

روز ۱۸ مرداد ۱۳۹۹، اسماعیل بخشی در حالیکه شمشیر ۱۵ سال زندان بر فراز سر داشت و با وثیقه سنگین و اخراج، به گروگان گرفته شده بود و اجازه شرکت در اعتصاب را نداشت، در اینستاگرام خود هشدار داد و در بیانیه ای با عنوان «کارگران چه می گویند و مسئولین ج ا چه می شنوند» پیرامون ترفندهای حکومتیان و اهلیت، بنیادها و واگذاری و دولتی کردن به آگاهی رسانی پرداخت....

۱۵ مرداد ۵۲ دومین روز اعتصاب

در این روز، هم اندیشی نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه با نمایندگان شورای اسلامی در مجلس و با حضور نایب رئیس و چند تن از نمایندگان مجلس، سازمان تأمین اجتماعی، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی، سازمان خصوصی سازی و استانداری خوزستان برای بررسی و رسیدگی به اعتصاب در هفت تپه برگزار شد. در این نشست نمایندگان کارگران را یوسف بهمنی و ابراهیم عباسی و محمد خنیفر را به عنوان نماینده برگزیدند.

سخنرانی شجاعانه عادل سرخه در پنجاه و پنجمین روز اعتصاب

عادل سرخه، از سوی دیگر در میان کارگران، در برابر فرمانداری شوش اعلام کرد: «مشکل اصلی ما کارگران، مسؤلانی هستند که از ما کارگران نیستند و درد ما را نمیدانند. اعتصاب تا لغو خصوصی سازی!» از ایستادگی و مقاومت و ادامه اعصاب می گوید. این کارگر پیشتاز در چندین سخنرانی بین کارگران در برابر فرمانداری شوش، به روشنگری و از ماهیت ضد کارگری نمایندگان و دولتی ها سخن می راند:

"وقتی موسوی قهر کرد و رفت و یک آخوند بسیجی ایستاده بود کارگران برای مذهب این و مذهب آن و برای مرز جان نمی دهند. او از اسماعیل بخشی و خنیفر و ووو دفاع مرد و موسوی را محکوم کرد. کارگران برای خود و خانواده خود و طبقه خود مبارزه می کنند." و از چرخاندن کیف پول در مجلس سخن گفت: «برای همکارانی که دل به مجلس خوش کردن، این مجلس چند روز دیگه تا چهارشنبه مهلت داره که نشون بده کیف توشون نچرخوندن. اگر کار دیگری کردن دیگه اسمشون را هم نباید بیارین.

اما من و خیلی از دوستان به این آقایان هیچ امیدی نداریم. این

تدارک مراسم محرم، در شرایط حاد کرونا همزمان با خیزش توده ها

فضاهای بیمارستانی برملا ساخت. او اعلام کرد که: "تا کنون کلاً هشت میلیون دوز واکسن تزریق شده است. یعنی تا کنون فقط چهار میلیون از جمعیت هشتاد میلیونی ایران واکسینه شده اند.

در چنین شرایطی مقامات نهادهای مذهبی حکومت اسلامی اعلام کرده اند که امسال در سراسر کشور همه برنامه های مذهبی مربوط به محرم را برگزار خواهند کرد. روح اله حرزیاوی قائم مقام سازمان تبلیغات اسلامی اعلام نمود که: "امسال نه تنها هیچ برنامه ای به خاطر کرونا تعطیل نخواهد شد بلکه برنامه هایی برای استقبال چهل روزه از محرم و سپس ماههای محرم و صفر نیز تدوین شده است". این درحالی است که مسئولان وزارت بهداشت و درمان عدم رعایت موازین و برگزاری تجمعات را یکی از عوامل اصلی وخامت گسترش شیوع این بیماری اعلام کرده اند. ایرج حریرچی معاون کل وزیر بهداشت رژیم روز یکشنبه سوم مرداد هشدار داد که: "برگزاری تجمعات مذهبی به مناسبت ماه محرم موجب تشدید وضعیت بحرانی کرونا را در هفته های آینده خواهد شد و افرادی که در ایام مسلمیه مراسم مذهبی برگزار کردند، باید از مردم عذر خواهی کنند." او افزود حتی تعطیلی شش روزه تهران نیز به همین دلیل در عدم کاهش بار کرونا بی اثر بوده است.

اما چرا سران و مقامات حکومت اسلامی علیرغم چنین شرایط خطرناکی بر برگزاری مراسم ارتجاعی و خرافی مذهبی تأکید می ورزند؟ توسل به تبلیغات مذهبی برای فریب مردم و بهره برداری سیاسی از آن همواره یکی

با شیوع و انتشار سریع موج پنجم ویروس کرونا به ویژه نوع "دلتا"ی آن در ایران تعداد کسانی که روزانه بر اثر آن جان می بازند به شکل بی سابقه ای افزایش یافته و بحرانی تر شده است. درحال حاضر ۲۳۲ شهر ایران در وضعیت قرمز و ۱۱۷ شهر در وضعیت نارنجی و ۹۹ شهر در وضعیت زرد قرار گرفته است. مسئولان وزارت بهداشت و درمان رژیم اذعان نموده اند که جدا از کسانی که به مطب ها مراجعه می کنند، روزانه بیست هزار مبتلای کرونا به بیمارستانها مراجعه می کنند و تعداد زیادی از بیماران مجبورند در حیاط بیمارستانها در انتظار تخت خالی باقی بمانند. نه سران رژیم راه کاری برای این معضل در پیش گرفته اند و نه سیستم نیمه فلج درمانی جمهوری اسلامی قادر به پذیرش این حجم از بیماران است.

روز یکشنبه سوم مرداد وزارت بهداشت و درمان رژیم اسلامی سیر صعودی ابتلا به بیماری کووید ۱۹ را تأیید نمود و اعلام کرد که در شبانه روز گذشته ۲۷ هزار نفر به این بیماری مبتلا شده و تعداد ۲۶۸ نفر نیز جانباخته اند. روز قبل از آن نیز ۱۸ هزار و ۶۳۲ مبتلا شدند. با توجه به اینکه قبلاً سازمان نظام پزشکی ایران اعلام نموده بود که تعداد واقعی قربانیان این بیماری در ایران سه تا چهار برابر آمارهای رسمی می باشد، می توان به ابعاد وحشتناک این فاجعه انسانی در ایران پی برد. این درحالی است که حسن روحانی روز پنجشنبه ۳۱ تیرماه بی شرمانه ادعا نمود که دولتش در مهار ویروس کرونا موفق بوده و تا کنون ده میلیون نفر در ایران واکسینه شده اند. چنین دروغ آشکاری را دکتر ظفر قندی رئیس سازمان نظام پزشکی

محور مقاومتی در این رابطه در تویتر خود نوشت "ردیف کردن کلمات و به کارگیری کلیشه هایی چون حق تعیین سرنوشت و غیره از سوی چپ برانداز شوخی تلخی است با تاریخ. عبارت نزد آنان تنها نامه ای عام اند به منظور خزیدن زیر پرچم ارتجاع. شرم بر آنان که کلمات را به لجن کشیدند که با تروریست های الاحواز هم کاسه می شوند". علی سیستانی از جریان موسوم به عدالتخواهان وابسته به رژیم می نویسد "مطالبه با دروغ گفتن فرق دارد، فکر کنم فرق این دو را متوجه باشید، برای حل مشکلات باید مطالبه کرد و راه کار داد. با دروغ گفتن و شلوغ کاری چیزی حل نمیشه، فقط دارید توی زمین تجزیه طلب و ویرانی طلبها بازی می کنید."

اینها تنها کلمات و جملاتی نیستند که فقط از دهان چند نفر بیرون آمده شده باشند. بلکه بازتاب واقعیتها و ستم های تاریخی است که سالهاست بر ملت های تحت ستم ایران روا داشته شده است. حال چه از گرایشات وابسته به جمهوری اسلامی باشد و چه از جانب دیگر جریانهای با اصطلاح سرنگونی طلب. مهم درک این مسئله است، که مردم ایران علی العموم، ملت های تحت ستم و همچنین زنانی که ستم ملی هم به آنها اعمال می شود به مثابه نقطه ی کانونی همه ی این ستمها، فقط زمانی رها می شوند که نه در دام تقدسات عظمت طلبی مام میهن بیافتند و نه در دام ناسیونالیسم و آلترناتیوهای بورژوازی که سرانجامی بهتر از جمهوری اسلامی ندارند. از این رو لازم است که کارگران و مردم ایران در حمایت از مبارزات حق طلبانه مردم خوزستان به مثابه منطقه ای که در آن تمام ستمهای طبقاتی و ملی بر آنها روا داشته شده است به میدان آمده و با سازماندهی خود راه را برای مبارزات یکپارچه تر و سراسری تر مهیا کنند.

مهم که مسبب تمامی مشکلات و محرومیت های تحمیلی بر زندگی مردم، جمهوری اسلامی است تغییری نمی دهد و مردم به خوبی می دانند چه کسی تفنگ را به سوی آنها نشانه گرفته است، اما گاهی شباهت هایی بین همین جمهوری اسلامی و اپوزیسیون بورژوازی که خود را مخالف آن معرفی می کند وجود دارد. محرومیت خوزستان سابقه ی تاریخی دارد، امری که به پیش از قیام ۵۷ مربوط می شود. قبل از انقلاب هم بسیاری از بخش ها و مناطق روستایی از نعمت برق محروم بودند، وضعیت راه ها اسفناک بود. مردم این مناطق به دلیل اینکه از اقلیتهای ملی بودند در همان زمان هم تحت ستم های مضاعف قرار داشتند، از تحصیل به زبان مادری محروم، و جلوه های فرهنگی و زبانی آنها با تمسخر، تحقیر و تعقیب روبرو می گشت. تقدس مفهوم مام میهن در واقع رویه ی دیگر سرکوبگری و زیر پا گذاشتن حقوق ملت های مختلف درون ایران در یک روند تاریخی معنا پیدا می کند. چه حاکمیت سلطنت پهلوی و چه حاکمیت جمهوری اسلامی و هردو به مثابه سیستم سرمایه داری، مسبب اصلی شدیدترین و غیرقابل تحمل ترین ستمها بر این منطقه از ایران بوده اند. این عظمت طلبی ایرانی اتفاقاً در مواضع پیدا و ناپیدای پهلوی چی ها زمانی نمود پیدا می کنند که مردم آن خطه به زبان مادری خود یعنی عربی شعار می دهند. سر دادن شعار و طرح مطالبات به زبان عربی، آنچنان به این حضرات گران آمده است که یا تلاش دارند که فرافکنی کرده و گزارشاتی را که در آنها به زبان عربی شعار داده می شود را در رسانه های وابسته به سلطنت طلبان در کسری از ثانیه بازتاب دهند و یا این نقطه ی اشتراک را همچون باصطلاح چپهای محور مقاومتی، آشکارا در تویتهای خود اعلام کنند. یکی از این باصطلاح چپهای

آنها می بینند که در حاکمیت جمهوری اسلامی دزدی و فساد و رانت خواری، زندگی اکثریت مردم ایران را به تباهی کشانده است، می بیند که در نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی سرمایه داران و سران و کارگزاران رژیم در سپاه پاسداران و نهادهای روحانیت چگونه به ثروتهای افسانه‌ای دست یافته‌اند مردم در چه فقر و فلاکتی بسر می برند.

بنابراین همانطور که بارها اعلام کرده ایم دستگاه ایدئولوژیک و دستگاه روحانیت حکومت اسلامی در مشروعیت بخشی به این اوضاع فاجعه بار به بن بست رسیده است. این رژیم دیگر نمی‌تواند با توسل به تبلیغات ارتجاعی توجه مردم گرسنه و تشنه و بیکار را از مطالبه و پیگیری خواسته‌هایشان برای یک زندگی انسانی منحرف و منصرف نماید. کارگران و مردم تهیدست جامعه اولین شرط نجات از زندگی فلاکت‌بار که جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده را رهایی از شر این حاکمیت ضد انسانی می دانند.

بحران حاد کرونا که به آن اشاره شد، نشانه اوج درماندگی و بی مسئولیتی جمهوری اسلامی در مقابل جان مردم ایران است. علیرغم هشدارهای مسئولان بهداشتی به بروز فاجعه انسانی در صورت انجام چنین تجمعات ارتجاعی و خُرافی، سردمداران حکومت تصور می کنند با به راه انداختن جار و جنجال محرم و کربلا و تشنگی و مرگ حسین و غیره، می توانند توجه کارگران و توده های مردم را از خواسته‌ها و مطالبات شان منحرف نمایند. حال مهم نیست اگر در این راه صدها هزار نفر به کرونا مبتلا شوند و دهها هزار نفر قربانی گردند.

اما نوحه خوانی و روضه خوانی مداحان و آخوندهای انگل صفت و جیره خوار رژیم دیگر نمی‌تواند توده های مردم را بفریبد. کارگران و مردمی که اینک به خیابانهای می آیند و بدون ترس از سرکوب و توحش مزدوران رژیم با شعار رسای "مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خدامنه ای" اعلام می کنند که جمهوری اسلامی نمی خواهیم، مدت‌هاست از حاکمیت جمهوری اسلامی و ترفندهایش عبور کرده اند.

از پایه‌های تداوم حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی بوده است. در شرایطی که بیش از یک ماه است که اعتصابات بی سابقه کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر مراکز کارگری در جریان می باشد، و در شرایط که اعتراضات عمومی توده های مردم ستمدیده خوزستان که اینک به بسیاری دیگر از استانهای کشور از جمله بوشهر، تهران، لرستان، البرز، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان و خراسان سرایت کرده، وارد دومین هفته خود شده است، و در شرایطی که جمهوری اسلامی به آستانه ورشکستگی اقتصادی رسیده و از پاسخگویی به مطالبات کارگران و برآورد کردن ملزومات ابتدایی زندگی و حتی آب برای توده های مردم عاجز و نا توان است، به غیر از گسترش سرکوب و توسل به فریب مردم از طریق برانگیختن احساسات مذهبی کاری از دستش ساخته نیست. اصرار حکومت درمانده جمهوری اسلامی بر برگزاری همه برنامه‌های مذهبی محرم و فراتر از آن آنگونه که "سازمان تبلیغات اسلامی رژیم" اعلام کرده استقبال چهل روزه قبل و بعد از آن به ویژه در شرایط

clubhouse

نقش و وظایف نیروهای چپ و کمونیست در شرایط کنونی



رحمان حسین زاده
حزب حکمتیست



صلاح مازوسی
حزب کمونیست ایران



زویا نهای
حزب حکمتیست (خط رسمی)



نادر
سازمان فداییان (فکلت)



حسن حسام
سازمان راه کارگر



اصغر کریمی
حزب کمونیست کارگری ایران

با مدیریت امیر پیام و هلث احمدجان



شنبه ۷ آگوست ۲۰۲۱ ساعت شش عصر

آرویبای هرگزی (۱۴ ظهر به وقت تورنتو)

این سلسله نشست و گفتگوها ادامه خواهد داشت

اتاق نقد و نظر